

آموزش میان‌رشته‌ای مدیریت دولتی در ایران: الزامات برنامه‌ریزی درسی

سید مجتبی امامی^۱

محمد مهدی ذوالفقارزاده^۲

حسین خصاف مفرد^۳

تاریخ دریافت: ۹۱/۵/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۱/۷/۱۱

چکیده

از بررسی مجموعه تعاریف مدیریت دولتی به نظر می‌رسد که بتوان آن را به کارگیری نظریه‌های مدیریتی، سیاسی و حقوقی برای اعمال اختیارات و انجام وظایف حکومتی در حوزه‌های قانون‌گذاری، اجرا و قضا دانست. این مقاله با بررسی تعاریف مختلف مدیریت دولتی مطرح می‌نماید که میان‌رشته‌گی رکن جدایی‌ناپذیر آموزش و پژوهش اداره امور عمومی در هر حکومت است. بررسی دوره‌های آموزش مدیریت دولتی برتر جهان نیز نشان می‌دهد که اندیشمندان این حوزه همواره در پی راه‌هایی برای تحقق بخشیدن به نوعی آموزش میان‌رشته‌ای در این حوزه بوده‌اند. رشته مدیریت دولتی در ایران نیز برای ایفای رسالت خود در اداره نظام اسلامی لازم است بیش از پیش به آموزش میان‌رشته‌ای اهمیت داده و برای تحقق آن تلاش نماید. به همین منظور در این نوشتار، با نگاهی اجمالی به سبک برنامه‌ریزی درسی موجود برای این رشته در کشور، بایسته‌های برنامه‌ریزی درسی میان‌رشته‌ای آن در قالب هفت محور: (۱) تیم برنامه‌ریزی درسی؛ (۲) اهداف برنامه درسی؛ (۳) محتوا و ترکیب دروس؛ (۴) رویکردهای تلفیق؛ (۵) الزامات یاددهی-یادگیری؛ (۶) روش‌های ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و (۷) روش‌های ارزشیابی برنامه درسی مطرح می‌گردد و با توجه به تجربه اخیر و نوآورانه دانشگاه امام صادق (ع) در این زمینه، پیشنهادهایی برای ارتقای آموزش این حوزه-رشته خطیر در کشور ارائه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مدیریت دولتی، آموزش میان‌رشته‌ای، برنامه‌ریزی درسی، رویکردهای تلفیق

۱. استادیار گروه مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری عمومی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع)
emami@isu.ac.ir

۲. استادیار دانشگاه تهران دانشکده علوم و فنون نوین

zolfaghar@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری رشته مدیریت استراتژیک دانشگاه شهید بهشتی

khassaf@isu.ac.ir

مقدمه

سخن گفتن در باب آموزش مدیریت دولتی، در وهله نخست، مستلزم فهم و اشرافی مناسب در خصوص ماهیت و چیستی مدیریت دولتی است. در سده اخیر، تعاریف مختلف و بسیار متنوعی از مدیریت دولتی ارائه شده است؛ به طوری که شفریتز هیجده تعریف از مدیریت دولتی را از دیدگاه‌های مختلف مطرح می‌سازد و در عین حال هیچ‌کدام را جامع و مانع نمی‌داند. (شفریتز و همکاران، ۲۰۰۹: ۲۵-۶). پیش از ورود به تعاریف، توجه به این نکته ضروری است که عبارت «مدیریت دولتی» یا به عبارت دقیق‌تر «اداره امور عمومی»^۱ کاربردی دوگانه دارد که هم بر یک حوزه پژوهش فکری و مطالعه سیستماتیک (به‌عنوان یک حوزه-رشته علمی) و هم بر یک فرایند یا فعالیت (به‌عنوان یک حوزه عملی) دلالت دارد و این کاربست دوگانه خود، نیازمند دقت بیشتر به هنگام بررسی این عبارت و تعاریف آن است. (والدو، ۱۹۸۷: ۲۳۰) از یک دیدگاه، مدیریت دولتی را می‌توان هر آنچه دولت انجام می‌دهد، تعریف نمود (شفریتز و همکاران، ۲۰۰۹: ۶) بدین ترتیب مدیریت دولتی یعنی همان تلاش دانشمندان هسته‌ای کشور در غنی‌سازی اورانیوم برای تأمین سوخت نیروگاه‌های اتمی تا خانه‌های مردم هیچ‌گاه تاریک نباشد و صنایع کشور به دلیل قطع برق از کار نیفتند؛ یا همان گشت شبانه نیروی انتظامی در خیابان‌های شهر برای حفظ امنیت شهروندان؛ مدیریت دولتی یعنی همان تحقیق و تفحص یک قاضی برای صدور حکم در پرونده‌های قضایی به منظور احقاق حق افراد، یا همان تلاش یک کارگر منطقه ویژه اقتصادی عسلویه در گرمای ۵۰ درجه در پالایشگاه جم به منظور تولید و صدور اتیلن مورد نیاز کشور؛ یا زحمات مهندسین عمران و مکانیک روی رود خروشان کارون به منظور استفاده بهینه از آن در کشاورزی و صنعت و جلوگیری از تخریب خانه‌ها و مزارع پایین‌دست توسط سیلاب‌های آن؛ و به طور کلی مدیریت دولتی از این نگاه، یعنی «دولت در عمل؛ مدیریت دولتی می‌تواند هم به صورت مستقیم (ارائه خدمات توسط دولت به مردم) و هم به صورت غیرمستقیم (ارائه خدمات به مردم با همکاری بخش خصوصی) محقق شود» (شفریتز و همکاران، همان، ص ۹).

مدیریت دولتی را می‌توان همان مرحله اجرایی چرخه خط‌مشی‌گذاری عمومی محسوب کرد که وظیفه تحقق بخشیدن به خط‌مشی‌های عمومی کشور را برای تأمین منافع عموم مردم

۱. در ایران اصطلاح "Public Administration" اغلب به «مدیریت دولتی» ترجمه شده است و همین اصطلاح نیز بین دانشگاهیان و مردم رایج است. ترجمه صحیح‌تر از این اصطلاح، «اداره‌ی امور عمومی» است. البته برخی از نویسندگان این اصطلاح را به «اداره‌ی امور دولت و حکومت» (پورعزت، ۱۳۸۷) نیز تعبیر کرده‌اند. در این مقاله به دلیل رواج و آشنایی بیشتر خوانندگان با واژه مدیریت دولتی از این واژه در سرتاسر مقاله استفاده می‌نماییم.





برعهده دارد. در واقع، خط‌مشی‌گذاری عمومی و مدیریت دولتی دو روی یک سکه‌اند؛ یک روی آن تصمیم می‌گیرد و روی دیگر، آن را تحقق می‌بخشد. (همان، ص ۱۰). به دیگر سخن، مدیریت دولتی، قانون در عرصه عمل است^۱. چرا که اعمال هر قانون در کشور الزاماً یک اقدام اداری است و از طرف دیگر اداره هم بدون مبانی قانونی نمی‌تواند وجود داشته باشد. از طرف دیگر قانون‌گذاری یکی از قدیمی‌ترین کارکردهای حکومت‌ها و دولت‌ها بوده است؛ اینکه دولت به شهروندان و کسب‌وکارها و به طور کلی بخش خصوصی بگوید چه می‌تواند انجام دهند و چه نمی‌توانند، موجب آن شده است که برخی مدیریت دولتی را معادل تنظیم قوانین و مقررات بدانند. (همان، ص ۱۴). مدیریت دولتی را می‌توان وظیفه مدیریت در دولت نیز دانست، مدیران دولتی همواره در پی انجام برنامه‌های جاری و تلاش برای تصویب مصوباتی هستند که مایلند آنها را اجرا نمایند. (همان، ص ۱۷) این خود مستلزم تخصص مدیریتی مدیر دولتی است. وقتی به تعاریف و توضیحات فوق از مدیریت دولتی، از جنبه یک مطالعه نظام‌مند و یک حوزه-رشته^۲ دانشگاهی توجه می‌کنیم، در می‌یابیم که مشخصه اساسی مدیریت دولتی که نقشی اساسی در برنامه‌ریزی درسی آن ایفا خواهد کرد، ماهیت میان‌رشته‌ای آن است. عالمان این رشته نیز در سالهای اخیر و در آخرین تعاریف از مدیریت دولتی بیش از پیش بر این امر تأکید می‌کنند. خط‌مشی‌های عمومی در پاسخ به یک مسأله^۳ یا مشکل عمومی وضع می‌شوند، این مسائل و موضوعات جامعه از آنجا که ناظر به نوع انسان می‌باشند، پیچیده، چند وجهی و مبتنی بر عقلانیت‌های مختلفند، که انبوهی از کنش‌گران و ذی‌نفعان را با اهداف و سلاقی گوناگون در بر می‌گیرد. این همه، لزوم نگاه میان‌رشته‌ای را در اجرای خط‌مشی‌های عمومی که محور حوزه مدیریت دولتی است، نمایان می‌سازد.

سبکی که روزنبلوم و همکاران (۲۰۰۹) در کتاب درسی پرسابقه‌ی خود به کار گرفته‌اند، می‌تواند بسیاری از دانش‌پژوهان را با ماهیت میان‌رشته‌ای مدیریت دولتی بهتر و سریعتر آشنا کند. عنوان کتاب درسی آنان که از ۱۹۸۶ تاکنون هفت ویرایش از آن منتشر شده است، این‌چنین است: «مدیریت دولتی: فهم مدیریت، سیاست و حقوق در بخش عمومی»^۴. مأموریت این کتاب، همان‌گونه که نویسندگان آن اظهار می‌کنند، این است که مبانی مدیریت دولتی در

1. Law in action

2. Field

3. Public issue

4. Public Administration: Understanding Management, Politics, and Law in the Public Sector



آمریکا را به خوبی به دانشجویان آموزش دهد. به این منظور، نویسندگان از پیچیدگی‌هایی که ناشی از در هم آمیختن مجموعه‌های ارزشی چندگانه است و مدیریت اداری آمریکایی‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، استقبال می‌کنند. برای این کار کتاب، مدیریت دولتی را از دیدگاه سه رویکرد منسجم و ریشه‌دار-مدیریت، سیاست و حقوق- توصیف، تبیین و تحلیل می‌کند.^۱ (همان، صفحه شانزده) هر یک از این رویکردها، حاوی ارزش‌های محوری متفاوتی هستند؛ روال‌های تصمیم‌گیری و آرایش‌های سازمانی خاص خود را برای حداکثرسازی آن ارزش‌ها پیشنهاد می‌دهند؛ و آحاد شهروندان را نیز به گونه‌ی خاصی مدنظر قرار می‌دهند. (همان، ص ۳) به همین دلیل است که در این کتاب، مدیریت دولتی به صورتی متفاوت از دیگران، اینگونه تعریف شده است: «مدیریت دولتی، بهره‌گیری از نظریه‌ها و فرآیندهای مدیریتی، سیاسی و حقوقی، برای اجرا کردن فرامین تقنینی، اجرایی و قضایی، به منظور محقق کردن وظایف تنظیمی و خدماتی حکومت است.» (همان، ص ۵) این کتاب درسی، تلاشی در خور تقدیر برای تلفیق این سه حوزه‌ی مطالعاتی دارد که در سرتاسر کتاب دنبال می‌شود.

باید توجه نمود که مدیریت صرفاً به‌عنوان یکی از سه دیدگاه مورد نظر روزنبوم و همکارانش در مدیریت دولتی، خود ماهیتی فوق‌العاده میان‌رشته‌ای دارد. سخن مری جو هیچ^۲ در این خصوص قابل توجه است. وی با عنایت به «نظریه سازمان»^۳ به مثابه مبنای نظری مدیریت به‌عنوان یک رشته علمی-دانشگاهی، آن را برگرفته از چندین رشته علمی دیگر می‌داند که به مرور زمان (حدود یک قرن) منجر به شکل‌گیری این عرصه علمی، البته با هویتی مستقل شده است. گستره رشته‌های متنوع تأثیرگذار بر نظریه سازمان از دید هیچ عبارتند از: اقتصاد، مهندسی، جامعه‌شناسی، علم سیاست (دهه‌های ۱۹۵۰-۱۹۰۰)، بیولوژی، اکولوژی، انسان‌شناسی اجتماعی، انسان‌شناسی فرهنگی (دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰)، مطالعات فرهنگ عامه، نشانه‌شناسی و هرمنوتیک، زبان‌شناسی (دهه ۱۹۸۰)، معماری پست‌مدرن، فلسفه‌ی فراساختارگرایی، نظریه‌ی اقتصادی و مطالعات فرهنگی (دهه‌ی ۱۹۹۰). هیچ بر خلاف برخی دیگر از صاحب‌نظران از این مبنای نظری متنوع نظریه‌ی سازمان که دامنه‌ی آن از علوم طبیعی و اجتماعی تا علوم انسانی و هنر را در بر می‌گیرد؛ به‌عنوان امری اجتناب‌ناپذیر و البته سودمند

۱. جالب آنجاست که به تصریح نویسندگان، این سه مجموعه‌ی ارزشی، در فرهنگ سیاسی آمریکا نهادینه شده است و منعکس‌کننده‌ی اصل تفکیک قوا در قانون اساسی آمریکا است؛ و ریشه‌های حتی عمیقتری در سنت لیبرال آمریکایی دارد. (روزنبوم و همکاران، ۲۰۰۹: xvi)

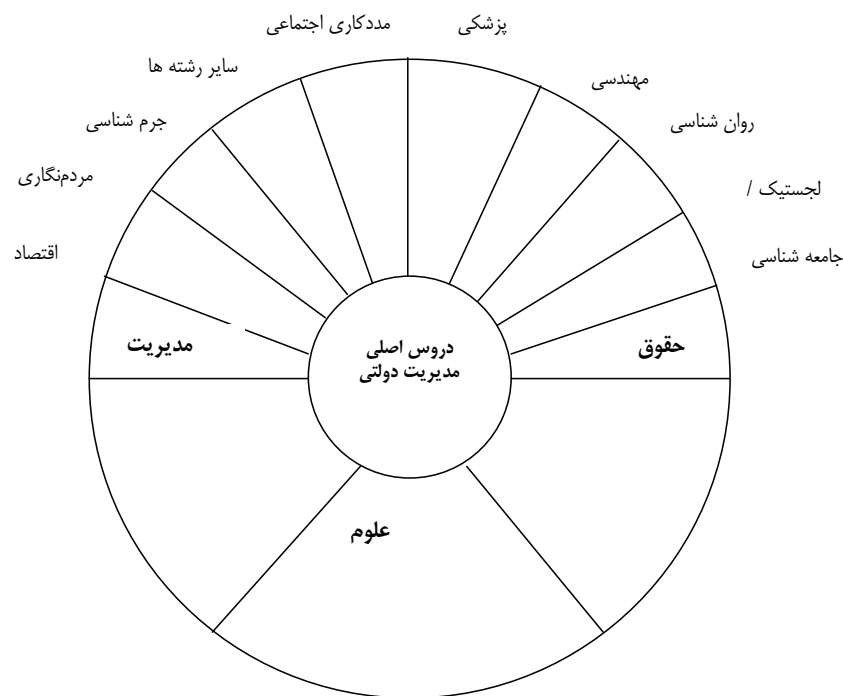
2. Mary Jo Hatch

3. Organization theory



دفاع می‌کند و بر این باور است که این تنوع، ضمن آن‌که دیدگاه وسیعی در خصوص زندگی سازمانی ارائه می‌دهد، راه کارهای بیشتری برای طراحی و مدیریت اثربخش سازمان‌ها نیز مطرح می‌سازد (هیچ و کانلیف^۱، ترجمه: دانایی فرد، ۱۳۸۹: ۲۷-۳۲).

شفریتز نیز با الهام از دسته‌بندی روزنبلوم (مدیریت، سیاست و حقوق) از تعاریف مدیریت دولتی و اضافه کردن دسته تعاریف حرفه‌ای^۲ به آنها، در نهایت مدیریت دولتی را به‌عنوان یک حوزه-رشته دانشگاهی معرفی می‌نماید. وی معتقد است که مدیریت دولتی به‌عنوان یک رشته‌ی دانشگاهی به طور ذاتی میان‌رشته‌ای است چرا که شامل طیف گسترده‌ای از رشته‌هاست. با این وجود مدیریت دولتی دارای هسته‌ای مرکزی است که محل ترکیب تمامی اجزای این رشته است. (شفریتز، همان، ص ۲۳) این موضوع در شکل شماره ۱ به همراه سهم نسبی هر یک از این رشته‌های علمی قابل مشاهده است.



شکل ۱ ماهیت میان‌رشته‌های مدیریت دولتی (شفریتز و همکاران، ۲۰۰۹: ۲۳)

1. Ann L. Cunliffe
2. Occupational definitions



پورعزت و همکاران نیز بر این باورند که رشته مدیریت دولتی، در حوزه بینابینی بسیاری از رشته‌های علوم انسانی تعریف می‌شود و از بسیاری از دستاوردهای علوم فنی و مهندسی و حتی علوم پایه و فنون پردازش رایانه‌ای نیز بهره می‌برد؛ مطالعات مدیریت دولتی حوزه وسیعی از مطالعات علوم سیاسی، علوم اقتصادی، جامعه‌شناسی، حقوق، روان‌شناسی و سایر علوم اجتماعی و حوزه‌های مشترک را در مرزهای علوم مذکور در بر می‌گیرد (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۵-۱۱۴). در نظرگاه ایشان هر چند این رشته از بسیاری رشته‌های دیگر استفاده می‌نماید، با این وجود عرصه تقابل و هم‌افزایی و زایش نظریه‌های بدیع و جدیدی را فراهم می‌کند که متقابلاً یافته‌های سایر رشته‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۵)

شاید عده‌ای با مشاهده این حجم انبوه رشته‌های درگیر در مدیریت دولتی تا حدی در هویت آن دچار تردید شوند؛ به طوری که پولیت، محو کلی این رشته و یا حیات دشوار آن را در آینده علمی رشته مدیریت دولتی پیش‌بینی کرده است (پولیت، ۲۰۰۵: ۱۲۰۴) اما در مقابل، دنهاert به‌عنوان یکی از صاحب‌نظران مدیریت دولتی، به خوبی اشکال چنین برداشتی را متذکر شده و پاسخ می‌دهد. وی با بازتعریف این حوزه، سعی می‌کند تا به سمت دستیابی به یک تئوری یکپارچه و قاطع حرکت کند تا از این طریق، بتوان به نوعی انسجام نظری در این حوزه به‌عنوان شرط لازم برای شکل‌گیری یک رشته آکادمیک دست یافت (دنهاert، ترجمه الوانی و دانایی‌فرد، ۱۳۸۲: ۳۲۵). دنهاert، مدیریت دولتی را «مدیریت فرایندهای تغییر برای تحقق ارزش‌های اجتماعی» تعریف می‌کند. وی این تعریف را چیزی بیش از تلاقی و ادغام چند رویکرد (سیاسی، حقوقی، اقتصادی و...) نسبت به دو عرصه مطالعه و عمل می‌داند و بر این باور است که:

این تعریف می‌تواند به جای اینکه زمینه تدوین نظریه‌های مرتبط با مدیریت دولتی را فراهم کند، زمینه ایجاد تئوری‌های مدیریت دولتی را بوجود آورد. تا حدی که بتوان محور اصلی بحث را به طریقی روشن مشخص نمود و بر ایجاد یک نظریه منسجم و مشخص از سازمان دولتی متمرکز شد... [هرچند که] برای تحقق چنین نظریه‌ای و تنظیم کاربردهای آن برای عمل اداری، بررسی و تلفیق سایر دیدگاه‌های متنوع و متعدد، ضرورت خواهد یافت. (دنهاert، ترجمه الوانی و دانایی‌فرد، ۱۳۸۲: ۲۹-۲۸).

۱. تأکید از نگارندگان است.



دنیاهارت با این توضیح، برای مدیریت دولتی به رغم ماهیت بیش از حد میان‌رشته‌ای آن، موجودیتی مستقل با انسجامی بنیادین و مشخص قائل است و دستیابی به یک نظریه‌ی قاطع در این رشته را مطلوب و ممکن می‌داند؛ و البته راه تحقق آن را ارج نهادن به تفکر میان‌رشته‌ای در این حوزه از یکسو و به رسمیت شناختن مسائل خطیر آن از سوی دیگر که ریشه در تحقق ارزش‌های اجتماعی از طریق مدیریت سازوکارهای تغییر دارد؛ عنوان می‌سازد. از این رو در دیدگاه دنیاهارت، اداره (مدیریت)، سیاست و ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی، دست کم سه محور اساسی و مکمل این حوزه‌ی مستقل را شکل می‌دهند. سه محوری که باید با همین ملاحظات در برنامه درسی این رشته لحاظ گردند.

از دیگر سو، تاملی در زمینه‌های مطالعاتی بزرگان این رشته بیانگر آن است که مدیریت دولتی در حین تاسیس و شکل‌گیری بنیان‌های نظری خویش، توسط اندیشمندان این حوزه، متأثر از حیطه‌های مختلف علمی بوده است. تنوع این اندیشمندان انعکاس‌دهنده تنوع دانشی موجود در حوزه-رشته مدیریت دولتی است. گولیک^۱، سایمون^۲ و والدو در علوم سیاسی تحصیل کرده‌اند، مایو^۳ در روان‌شناسی؛ فالت^۴ در زبان انگلیسی، اقتصاد سیاسی و تاریخ؛ وبر^۵ در اقتصاد و حقوق، بارنارد^۶ در اقتصاد؛ و تیلور^۷ در مهندسی مکانیک. سطوح تحصیلی این افراد نیز با یکدیگر متفاوت است: از بارنارد گرفته که هیچ مدرک کارشناسی نداشت؛ تا وبر، گولیک، سایمون و والدو که مدرک دکترا داشتند. فالت مدرک کارشناسی داشت و تیلور و مایو کارشناسی ارشد داشتند. حتی میان آنها در فضای دانشگاهی و اجرایی تفاوت دیده می‌شود، هر چند این دو حوزه با هم اشتراکاتی دارند: تیلور، بارنارد و فالت در اصل افرادی اجرایی و مایو، وبر، سایمون و والدو نیز در اصل افرادی دانشگاهی بودند. گولیک را نیز می‌توان جزء هر دو گروه از این افراد دانست. (فرای و رادشلدن، ۲۰۰۸: ۱-۲)

این همه، حاکی از ماهیت بالای میان‌رشته‌ای مدیریت دولتی به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی از منظرهای گوناگون بود. اهمیت پرداختن به رویکرد میان‌رشته‌ای در برنامه‌ریزی درسی رشته مدیریت دولتی وقتی بیشتر خواهد شد که بدانیم، این رشته در نگاه آرمانی آن متولی اصلی

1. Luther Gulick
2. Herbert Simon
3. Elton Mayo
4. Mary Parker Follett
5. Max Weber
6. Chester Barnard
7. Frederick Taylor

تربیت حکمرانان و دولت‌مردان آینده این مرز و بوم است و ذره‌ای غفلت از این امر جبران‌ناپذیر خواهد بود. ارائه آموزش با کیفیت و منطبق با رسالت‌های تأسیسی این رشته می‌تواند گفتمان انقلاب اسلامی را در عرصه عمل اداری نهادینه سازد. در ادامه به بررسی وضعیت برنامه‌ریزی درسی در رشته مدیریت دولتی در ایران و جهان پرداخته و در نهایت الزامات برنامه‌ریزی درسی این رشته را برای به کارگیری در نظام آموزشی کشور ارائه می‌نماییم.

برنامه درسی مدیریت دولتی در ایران

این گرایش از رشته مدیریت اولین بار در سال ۱۳۳۳ تحت عنوان علوم اداری در موسسه علوم اداری زیر نظر دانشکده حقوق دانشگاه تهران با همکاری دانشگاه کالیفرنیا جنوبی برگزار شد.^۱ در حال حاضر این رشته در اکثر دانشگاه‌های کشور تحت عنوان مدیریت دولتی و با گرایش‌های مختلف در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تدریس می‌شود. (دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰) آخرین برنامه مصوب دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد «مدیریت دولتی» در کشور مربوط به سال ۱۳۷۶ است. طی این مصوبه این گرایش رشته مدیریت در سطح کارشناسی تحت عنوان مدیریت دولتی در اکثر دانشگاه‌های کشور تدریس می‌شود (شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۷۶ ب) و در سطح کارشناسی ارشد نیز پنج گرایش زیر در دانشگاه‌های کشور تدریس می‌شوند: الف) ساختار تشکیلات و روش‌ها، ب) مدیریت منابع انسانی، ج) مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی، د) مدیریت تحول سازمانی، و ه) مدیریت مالی دولتی. (شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۷۶ الف) گرایش‌های مذکور در بیست واحد درسی مشترک بوده و تفاوت آنها در هشت واحد درسی است. گرایش مدیریت دولتی در سطح دکتری تخصصی دارای چهار گرایش است: (۱) تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی؛ (۲) رفتار سازمانی؛ (۳) مدیریت منابع انسانی؛ و (۴) مدیریت تطبیقی و توسعه. (شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۷۴). با این توضیحات و ناظر به فضای پویا و در حال تحول مدام عرصه اداری ملی و بین‌المللی، به نظر می‌رسد این برنامه نوآوری، پویایی و تحول شایسته و متناسب با اقتضائات زمانی و مکانی را نداشته است. در ادامه عناوین دروس مصوب مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد مدیریت دولتی کشور به صورت دسته‌بندی شده ذکر شده است.

۱. جالب است بدانیم که در آمریکا شیوه‌های مختلفی در آموزش مدیریت دولتی وجود دارد که شیوه دانشگاه کالیفرنیا جنوبی، با تمام قوت‌ها و ضعف‌های خود، تنها یکی از آنهاست. و جالب‌تر آنکه آموزش مدیریت دولتی در کشورهای دیگر غربی نظیر انگلیس، فرانسه یا آلمان نیز به میزان قابل توجهی با آمریکا تفاوت داشته و دارد.



جدول شماره ۱: عناوین دروس مصوب کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی
(شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۷۶ الف و ب)^۱

ردیف	نام درس	تعداد واحد
دروس پایه اصلی مشترک رشته مدیریت		
۱	دروس پایه مدیریت مبانی سازمان و مدیریت، جامعه‌شناسی سازمان‌ها، روان‌شناسی کار یا روان‌شناسی سیاسی، مدیریت رفتار سازمانی، مدیریت منابع انسانی، حقوق اساسی، مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن، تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، روش تحقیق در مدیریت	۲۶
۲	دروس کمی مدیریت ریاضیات و کاربرد آن در مدیریت ۱ و ۲، آمار و کاربرد آن در مدیریت ۱ و ۲، تحقیق در عملیات ۱ و ۲	۱۸
۳	دروس مالی و حسابداری اصول حسابداری ۱ و ۲	۶
۴	دروس اقتصاد اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی	۹
۵	رایانه و فناوری اطلاعات کامپیوتر و کاربرد آن در مدیریت، سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت	۶
۶	زبان‌های تخصصی ۱ و ۲	۲
جمع		۸۷ واحد
دروس تخصصی گرایش مدیریت دولتی در مقطع کارشناسی		
۱	مدیریت تحول سازمانی	۳
۲	حسابداری دولتی	۳
۳	مالیه عمومی و تنظیم خط‌مشی مالی دولت	۳
۴	فراگرد تنظیم و کنترل بودجه	۳
۵	مدیریت سازمان‌های محلی و شهری‌ها	۳
۶	مبانی مدیریت دولتی ۱ و ۲	۴
۷	مدیریت تطبیقی	۳
۸	مدیریت توسعه	۳
۹	مدیریت تعاونی‌ها	۲
۱۰	تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی	۳
۱۱	سیر اندیشه‌های سیاسی و تحول نهادهای اداری	۳

۱. با توجه به اینکه مباحث مطرح در این مقاله اغلب ناظر به دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد مدیریت دولتی است، جهت رعایت اختصار، عناوین دروس دوره دکتری این رشته ذکر نشده است.



۳	مباحث ویژه در مدیریت دولتی	۱۲
۲	زبان تخصصی مدیریت ۳ و ۴	۱۳
۲	حقوق اداری	۱۴
۳	سازماندهی و اصلاح تشکیلات و روش‌ها	۱۵
۳	روابط کار در سازمان	۱۶
۴۶ واحد		جمع
دروس مشترک گرایش مدیریت دولتی مقطع کارشناسی ارشد		
۲	مدیریت منابع انسانی پیشرفته	۱
۲	تئوری‌های مدیریت پیشرفته	۲
۲	سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت پیشرفته	۳
۲	تحلیل آماری	۴
۲	مدیریت استراتژیک پیشرفته	۵
۲	نظام‌های اداری تطبیقی پیشرفته	۶
۲	مدیریت رفتار سازمانی پیشرفته	۷
۲	فرآیند خط‌مشی‌گذاری	۸
۲	تحقیق در عملیات پیشرفته	۹
۲	بررسی مسائل مدیریت دولتی ایران	۱۰
۲۰ واحد		جمع
دروس تخصصی رشته مدیریت دولتی (گرایش مدیریت نیروی انسانی) مقطع کارشناسی ارشد		
۳	برنامه‌ریزی استراتژیک نیروی انسانی	۱
۳	مدیریت بهره‌وری نیروی انسانی	۲
۲	سمینار تحقیقی در مدیریت نیروی انسانی	۳
۸		جمع
دروس تخصصی رشته مدیریت دولتی (گرایش مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی) مقطع کارشناسی ارشد		
۳	نظریه‌های سیستمی	۱
۳	سیستم‌های اطلاعاتی استراتژیک	۲
۲	کاربرد فناوری اطلاعات در سازمان	۳
۸		جمع
دروس تخصصی رشته مدیریت دولتی (گرایش مدیریت مالی دولتی) مقطع کارشناسی ارشد		
۳	بودجه عمومی و بودجه شرکت‌های دولتی	۱
۳	تصمیم‌گیری در مسائل مالی	۲



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۱۶

دوره چهارم
شماره ۴
پاییز ۱۳۹۱



۲	سمینار تحقیقی در مدیریت مالی	۳
۸		جمع
دروس تخصصی رشته مدیریت دولتی (گرایش تشکیلات و روش‌ها) مقطع کارشناسی ارشد		
۳	حقوق اساسی سازمان‌های دولتی	۱
۳	طراحی و ایجاد سازمان‌های متناسب با عصر اطلاعات	۲
۲	سمینار تحقیقی در مورد مسائل سازمان‌های اداری ایران	۳
۸		جمع
دروس تخصصی رشته مدیریت دولتی (گرایش مدیریت تحول) مقطع کارشناسی ارشد		
۳	روش‌های تحقیق در رفتار سازمانی	۱
۳	نظریه و فرآیند تحول سازمان	۲
۲	نظریه‌ها و فرآیند ارتباطات سازمانی	۳
۸		جمع
۴		پایان نامه

الزامات برنامه‌ریزی درسی میان‌رشته‌ای مدیریت دولتی

تا بدین جا به ماهیت میان‌رشته‌ای و ضرورت وجود این رویکرد در برنامه‌ریزی درسی مدیریت دولتی پرداخته شد و به صورت مختصر به برنامه درسی فعلی این رشته در کشور اشاره گردید. دغدغه مقاله حاضر این است که به بعد میان‌رشته‌گی برنامه‌ریزی درسی این رشته توجه بیشتری شود. در ادامه مقاله سعی بر این است تا با تشریح ضعف‌های برنامه حاضر در بعد میان‌رشته‌گی، راه‌حلی‌هایی نیز برای آنها پیشنهاد شود.

برنامه‌ریزی درسی به معنای سازماندهی مجموعه فعالیت‌های یاددهی و یادگیری با هدف ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده‌ها و ارزشیابی میزان دستیابی به این تغییرات است (یارمحمدیان، ۱۳۸۵: ۱۹) و دارای ابعاد متعددی است. ابعاد مدنظر در نوشتار حاضر، ملهم از مدخل برنامه درسی چارچوب موضوعی دانشنامه ایرانی برنامه درسی است (دانشنامه ایرانی برنامه درسی، ۱۳۹۰). در این بخش، در ذیل هر بعد، الزامات مهم ناظر بر آن بعد در رشته مدیریت دولتی با توجه به تجربیات مشابه در جهان و نیز اقتضائات بومی و زمانی کشور مطرح شده است.

۱. تیم برنامه‌ریزی درسی

از الگوگیری مستقیم از خارج که بگذریم، سنت رایج برنامه‌ریزی رشته‌های درسی دانشگاهی در ایران این بوده است که یک یا چند دانش‌آموخته‌ی رشته‌ای خاص با الگوگیری از



برنامه‌های دانشگاه‌های خارج از کشور، برنامه‌ای را طراحی و برای تصویب به شوراهای تخصصی وزارت علوم ارائه می‌کرده‌اند. این شوراها نیز غالباً برگزیده‌ای از اساتید همان رشته‌ی دانشگاهی بوده‌اند. به عبارت دیگر، حتی در حوزه‌های «میان‌رشته‌ای» نظیر مدیریت، پیشنهاد و تصویب برنامه‌های درسی یک فرایند «تکراررشته‌ای» را می‌گذرانده است. این درحالیست که تأمل در ماهیت میان‌رشته‌ای مدیریت دولتی به روشنی نشان می‌دهد که لازم است متخصصان رشته‌های مختلف -نظیر اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی یا فلسفه- در طراحی برنامه‌های این رشته درگیر شوند. مبتنی بر استانداردهایی که دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی ملل متحد^۱ و انجمن بین‌المللی دانشکده‌ها و مؤسسات مدیریت دولتی^۲ برای آموزش مدیریت دولتی تعریف کرده‌اند، باید برای تدوین و بررسی برنامه درسی این رشته فرایندی مناسب وجود داشته باشد که در آن همه ذی‌نفعان مربوطه درگیر شوند؛ که مسلماً متخصصان رشته‌های درگیر در مدیریت دولتی از مهمترین آنها هستند. (IASIA/UNDESA, ۲۰۰۸: ۶)

درگیر نشدن متخصصان این رشته‌ها باعث شده است که کل چرخه آموزش و پژوهش مدیریت دولتی ایران با ضعف‌ها و کاستی‌های عمده‌ای درگیر باشد. عدم انسجام در عناوین دروس، و پس از آن در سرفصل‌ها، متون درسی و تدریس باعث شده است که در نهایت پژوهش‌های مدیریت دولتی نیز بسیار ضعیف صورت گیرد.

البته باید توجه داشت که مشارکت متخصصان رشته‌های مختلف نیز با چالش‌های متعددی مواجه است؛ ولی اگر تلاش داریم یکی از مهم‌ترین نیازهای کشور و یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های کارآمدی آن را که همانا مدیریت دولتی است اصلاح کنیم، ناچاریم با این چالش‌ها دست و پنجه نرم کرده و آنها را حل کنیم. به عبارت بهتر، منظور از این همکاری، صرف اظهارنظر کارشناسان رشته‌های مختلف نیست؛ بلکه تعامل، گفتگو و کار تیمی منسجم اساتید این رشته‌ها را طلب می‌نماید. در طراحی برنامه‌ی درسی مدیریت دولتی از طرفی با کثرت موضوعات درسی و از طرف دیگر با محدودیت سقف واحدهای درسی مواجه می‌باشیم. این در حالی است که متخصصان رشته‌های مختلف در این مرحله به دو گروه غالب تقسیم می‌شوند: عده‌ای با توجه به نیازهای یک مدیر دولتی اصرار دارند که حجم انبوهی از مفاهیم و نظریه‌های حقوقی، اقتصادی یا جامعه‌شناسی به دانشجوی منتقل شود؛ عده‌ای دیگر نیز با توجه به محدودیت‌های واحدهای درسی یا فرعی بودن این دروس برای مدیریت، صرفاً یک یا دو درس

1. United Nation Department of Economic and Social Affairs (UNDESA)

2. International Association of Schools and Institutes of Administration (IASIA)



«آشنایی با...» یا «مبانی و اصول...» را پیشنهاد می‌دهند که فوق‌العاده به لحاظ عمق و گستره با کاستی مواجه است. این هر دو رفتار، برای طراحی برنامه‌های درسی میان‌رشته‌ای نامناسب است. خلاصه آنکه یکی از مهمترین الزامات برنامه‌ریزی درسی مدیریت دولتی تشکیل تیم‌های میان‌رشته‌ای و گفتگوهای طولانی آنها با پذیرش محدودیت‌های موجود است. در بخش‌های بعد، بخصوص در بخش محتوا و ترکیب دروس، ضرورت این تعامل و همکاری بیشتر مشخص خواهد شد.

گاهی اوقات نوع دیگری از ذینفعان (علاوه بر عالمان رشته‌های علوم انسانی) نیز لازم است در تیم‌های برنامه‌ریزی درسی دوره‌های مدیریت دولتی قرار گیرند. گاهی حوزه‌های کاری مدیران دولتی تفاوت‌های بسیار مهمی با یکدیگر دارند. مثلاً کسی که در بخش دولتی کشاورزی مشغول کار می‌شود، با کسی که قرار است در بخش فرهنگی خدمت کند، نیازهای متفاوتی با هم دارند. به همین دلیل است که استاندارد UNDESA بر این نکته تاکید دارد که حتی‌الامکان طراحی دوره با هدف تربیت مدیران حوزه کاری خاصی صورت پذیرد و دست‌اندرکاران همان حوزه در تیم برنامه‌ریزی درسی مشارکت داده شوند. (UNDESA /IASIA، ۲۰۰۸: ۹)

۲. اهداف برنامه درسی

بی‌شک ماهیت پیچیده‌ی مدیریت دولتی، آموزش آن را نیز با پیچیدگی‌ها و چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. این چالش‌ها خود را به طور قطع در تعیین اهداف برنامه درسی نیز نمایان می‌سازد؛ تا جایی که برخی از صاحب‌نظران به طور صریح پرسش‌هایی را در این زمینه مطرح و درصدد پاسخگویی به آنها برآمده‌اند (دنهارت، ۲۰۰۱ و ونتریس، ۱۹۹۱). دنهارت (۲۰۰۱) در خصوص آموزش مدیریت دولتی چند سؤال جدی مطرح می‌کند، آنچه وی در خصوص اهداف آموزشی در این راستا عنوان می‌کند، پرسش‌هایی مهم و قابل توجه است که همواره قبل، حین و پس از آموزش گریبان‌گیر اساتید و طراحان این رشته است:

زمانی که ما به پرسش‌های عمده در آموزش مدیریت دولتی می‌اندیشیم، یکی از عمده‌ترین پرسش‌ها، نحوه ادراک ما از نقشی است که در فراگرد آموزش آن ایفا می‌کنیم. ما چه اهداف کلانی را در آموزش مدیریت دولتی دنبال می‌نماییم؟ و سعی داریم به کجا برسیم؟ یک هدف کلان، ممکن است تربیت و بهبود مستمر مجموعه‌ای از مجریان باشد که وظایف اداری‌شان را به نحو احسن انجام می‌دهند. هدف کلان دیگر می‌تواند ایجاد مهارت‌های خاص تکنیکی،



تحلیلی و مدیریتی باشد. همچنین سایر اهداف کلان ما از آموزش مدیریت دولتی می‌تواند موارد زیر باشد: بهبود مستمر نظام اداری در مرحله اجرا (عمل)؛ کمک به مجریان و مدیران اجرایی کشور جهت خودبازنگری؛ و یا فراهم نمودن فضایی که در آن مدیران اجرایی فکور بتوانند محیط پیرامون خود را بهتر درک کنند... آیا ما به دنبال دانشجویانی هستیم که قادر به حفظ یکسری جزئیات تکنیکی باشند؟ یا به دنبال دانشجویانی هستیم که قادر به بکارگیری یک منطق مشخص برای حل مسائل جدید باشند؟ آیا ما نگران این هستیم که دانشجویانمان تصویر کلی از کل رشته را درک کرده‌اند یا نه؟ آیا در جستجوی افرادی هستیم که در آزمون‌ها و امتحانات نمرات خوبی کسب می‌کنند و یا به دنبال کسانی هستیم که از لحاظ شخصیتی یک مدیر دولتی مناسب به نظر می‌رسند؟ (دنهارت، ۲۰۰۱: ۵۲۸)

به هر حال، یک سؤال جدی که در آموزش مدیریت دولتی و به خصوص در تعیین اهداف برنامه‌ی درسی مدیریت دولتی بسیار اثرگذار است، این است که اساساً ما دانشجویان را به خاطر تئوری آموزش می‌دهیم یا عمل؟ در واقع، اگر تنش میان سیاست و اداره^۱، یکی از محورهای اصلی مدیریت دولتی را شکل می‌دهد، تنش میان تئوری و عمل، بی‌شک یکی از محورهای اصلی آموزش مدیریت دولتی خواهد بود.

تصور غالب این است که برای این قبیل سؤالات در خصوص اهداف دوره، یک جواب صحیح یا یک بهترین راه وجود دارد؛ اما دنهارت بیان می‌دارد که این نگاه صحیح نیست. بلکه متناسب با نیازها و جهت‌گیری‌های مخاطبان، ترکیب هیأت علمی و اساتید طراح دوره، سلاقی و علایق ایشان، اهداف و مأموریت‌های دانشکده و دانشگاه و حتی نیازهای حال و آینده‌ی کشور، می‌تواند متغیر باشد. وی بر این اساس، سعی می‌کند تا چارچوبی را برای درک بهتر این سؤالات ارائه دهد؛ هر چند که در نهایت نیز آن را پاسخ به این سؤالات نمی‌داند اما مدعی است که این چارچوب دست کم نگرش جدید و بهتری را برای تأمل به اهداف برنامه‌های درسی رشته فراهم می‌آورد. وی این چارچوب را با توجه به نظریه‌های مربوط به رشد انسان^۲ (رشد شناختی یا همان دانش شناختی، رشد زبانی یا همان مهارت میان‌فردی و رشد روانشناختی یا همان مهارت درون‌فردی) و تطبیق آن با ادبیات مربوط به آموزش مدیریت دولتی و همچنین با توجه به تقسیم‌بندی کلاسیک تامپسون از سه سطح فعالیت سازمانی (فنی، مدیریتی و نهادی) تنظیم می‌نماید (ر.ک. جدول ۲). از تقابل این دو، که یکی ناظر بر رشد فردی و دیگری ناظر

1. Ad pol dic

2. Human development

بر رشد در مسیر سازمانی و شغلی است، نیازهایی نه‌گانه استخراج می‌شود که بر اساس آن می‌توان اهداف برنامه درسی را تدوین نمود؛ ضمن آنکه برخی از آنها تا حد بسیاری بر تعیین محتوای برنامه درسی اثرگذار است (دنهارت، ۲۰۰۱: ۵۳۱-۵۲۹).

جدول شماره ۲: رشد فردی و نیازهای مدیر

در مسیر پیشرفت شغلی‌اش در سازمان (دنهارت، ۲۰۰۱: ۵۳۰)

رشد سازمانی رشد فردی	فنی	مدیریتی	نهادی
دانش شناختی	مهارت‌های تحلیلی پایه در خصوص منابع انسانی، بودجه‌بندی، فرایندهای مالی، مدیریت اطلاعات (از جمله دانش استفاده از رایانه)، فنون تجزیه و تحلیل، و درک خط‌مشی عمومی و محیط سازمانی	دانش سیستم‌های فنی و مدیریتی، همچنین دانش طراحی و اداره سازمان، (اداره سازمان شامل عناوینی چون قدرت و نفوذ، انگیزش، تفویض اختیار و ایجاد ارتباطاتی سودبخش می‌گردد)	دانش روابط میان‌سازمانی و محیط‌های سازمانی؛ شامل محیط‌هایی که به هر دو نقش اجرایی و خط‌مشی‌گذاری مربوط می‌شود
مهارت‌های میان‌فردی	مهارت‌های ارتباطاتی پایه چون سخن‌گفتن، نوشتن، گوش‌دادن و همچنین توانایی کار در محیط‌های مشخص سازمانی نظیر تیم‌ها و سایر گروه‌ها	مهارت‌ها و توانایی‌های لازم جهت مدیریت داخلی سازمان‌های عمومی و حمایت از فرایند خط‌مشی، از جمله نفوذ بر دیگران، برقراری ارتباط با ایشان، تفویض اختیارات و...	توانایی طرح‌ریزی دقیق فعالیت‌های سازمان به‌طور عام و توانایی مذاکره، تسهیل امور و دستیابی به اجماع در خلال مرزهای سازمانی
مهارت‌های درون‌فردی	بلوغ و اعتماد به نفس کافی جهت انجام امور به‌صورت اثربخش همراه با مسئولیت‌پذیری در سازمان‌های عمومی	رشد و نمو مهارت‌های مربوط به خوداندیشی و خودانتقادی، آگاهی و درک بیشتر از خود و دیگران	برخورداری از یک پایه روانشناختی قوی که فرد را قادر سازد تا در خصوص مسائل سازمانی و روابط محیطی به صورت مستقل نگرینده؛ نقش خود را در نظام دولتی ایفا نماید.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۲۱

آموزش میان‌رشته‌ای
مدیریت دولتی...

باید توجه داشت که تأکید دنهارت بر فقدان یک بهترین راه در هدفگذاری آموزش مدیریت دولتی به دلایل پیش‌گفته، خود به نوعی از «ماهیت خاص» میان‌رشته‌ای مدیریت دولتی حکایت دارد. خاص بودن میان‌رشته‌گی مدیریت دولتی به این دلیل است که این رشته برخلاف بسیاری رشته‌های دیگر میان‌رشته‌ای، در کنار فضای نظری و فکری با فضای «عملی و کاربردی» نیز در هم‌تنیدگی بالایی دارد (تنش آموزش تئوری یا عمل). از این رو، هدفگذاری آموزش رشته



مدیریت دولتی به‌عنوان بخش مهمی از برنامه‌ریزی درسی این رشته، الزامات خاص خود را می‌طلبد. به نظر می‌رسد، محور این الزامات هدفی، تضمین نوعی «وحدت در عین کثرت» است. کثرت برآمده از فضای نظری و لزوم تحقق نگاه چندجانبه و میان‌رشته‌ای به مسائل در دانشجویان و وحدت برخاسته از حل مسائل عملی و عمومی توسط دانشجویان در عمل. به دیگر سخن، در اهداف آموزش مدیریت دولتی، در وهله نخست، باید به فکر نهادینه شدن نگاه میان‌رشته‌ای و همه‌جانبه در دانشجویان بود؛ در واقع، آنان باید در طول دروه آموزشی، طوری آموزش یافته و تربیت شوند که واجد یک شخصیت میان‌رشته‌ای شده و نسبت به تمام مسائل این رشته، این‌گونه بیندیشند (کثرت در نظر). سپس در گام بعد و در مقام هدفگذاری، باید به فکر نحوه کاربردی نمودن این نگاه میان‌رشته‌ای نهادینه شده در دانشجویان در حل مسائل عمومی جامعه به صورت عملی و عینی بود. این مهم، مستلزم تمرکز بر یک مسأله خاص و واحد به طریقی اثربخش است (وحدت در عمل). در این صورت است که دانشجو، در حل یک مسأله خاص عمومی نظیر سیاست‌های علم و فناوری، آموخته است که تنها نباید از یک منظر خاص به این سیاست‌ها نگریت؛ بلکه باید ابعاد گوناگون اقتصادی، حقوقی، فرهنگی و حتی سیاسی آن را در تحلیل یا وضع آن سیاست‌ها در چارچوبی واحد و منسجم، لحاظ نمود. باید توجه داشت که ضعف در هر یک از این دو الزام ناظر بر اهداف کلان آموزشی مدیریت دولتی، ضعف در برنامه درسی و در نهایت، ضعف در تربیت دانشجویان این رشته و نارسایی آنان در پاسخگویی به نیازهای محیطی و جامعه را در پی خواهد داشت.

نکته دیگری که در ادامه مباحث دنیاهارت باید مورد توجه قرار گیرد، توجه به اقتضائات بومی و زمانی و مأموریت‌هایی است که یک دانشکده یا دانشگاه برای خود ممکن است در نظر گیرد. به بیان دیگر این اقتضائات و مأموریت‌ها را می‌توان در حکم سیاست‌های هادی و حاکم بر اهداف برنامه درسی مدیریت دولتی در نظر گرفت که در نهایت منجر به تدوین اهداف کلان آن می‌شوند. لزوم دستیابی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ضرورت یافتن راه‌هایی برای تحقق عملی قانون اساسی و تحول ساختاری در کنار تحول محتوایی، ضرورت ترجمه چشم‌انداز بیست‌ساله با سیاست‌های عمومی متناسب، نیاز روزافزون کشور در حوزه‌های تحلیل، تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست‌های عمومی به منظور جلوگیری از آزمون و خطا در عرصه مهم سیاست‌گذاری که آسیب جدی به کارآمدی نظام وارد می‌کند و حرکت دولت از نقش تصدی‌گری به حاکمیتی و به تبع آن، از اداره مستقیم امور به سیاست‌گذاری؛ از



جمله مهمترین اقتضائات دهه پیش روی انقلاب اسلامی است که به طور قطع در تعیین اهداف کلان برنامه درسی مدیریت دولتی در این برهه زمانی باید در نظر گرفته شوند.

مسئله حل کامل چالش‌ها و اقتضائات پیش گفته نیازمند حرکت و تلاش علمی جمعی همه علوم اجتماعی است. در عین حال برای رشته مدیریت دولتی به عنوان رشته‌ای میان رشته‌ای که قصد دارد تا با به کارگیری تکنیک‌های مختلف و بسیار متنوع مدیریتی، به «جمع بندی تلاشهای نظری» سایر رشته‌های علوم اجتماعی و ارائه «برنامه‌های عملی» (نظیر برنامه‌های پنج ساله) بپردازد؛ با توجه به این اقتضائات می‌توان اهداف کلان آموزشی زیر را در مسیر اصلاح وضع موجود، در نظر گرفت:

آشنایی دانشجویان با مجموعه گسترده علوم اجتماعی و توانایی تعامل علمی و عملی با متخصصان و متون علمی آنها؛ شناخت و تبحر در علوم تصمیم‌گیری و ابزارها و مهارت‌های آن، بخصوص در عرصه عمومی؛

شناخت و تبحر در اجرای تصمیمات (مدیریت) در/با سازمان‌ها در عرصه اجتماع از سطح خرد تا سطح بین الملل؛ مطالعه انتقادی دستاوردهای غرب در این عرصه و تلاش برای بازپردازی آنها با نگرش اسلامی.

۳. محتوا و ترکیب دروس

همان گونه که در بخش الزامات تیم برنامه‌ریزی درسی اشاره شد، وقتی تیم برنامه‌ریزی درسی میان رشته‌ای نیست، نمی‌توان انتظار داشت که محتوای این برنامه، عمق میان رشته‌ای لازم را داشته باشد.

بررسی استانداردهای دوره‌های مدیریت دولتی که توسط موسسات اعتبارسنجی بین المللی منتشر شده است و حاصل چندین دهه تجربه موسسات آموزش عالی می‌باشد، به خوبی نشان دهنده اهمیت میان رشته‌گی در برنامه‌های درسی مدیریت دولتی است:

موسسه مجوزدهی به دوره‌های مدیریت دولتی اروپا: این موسسه بیان می‌دارد که مهم ترین ویژگی دوره‌های مدیریت دولتی بایستی این باشد که «مدیریت دولتی» را در وسیع ترین معنای کلمه، مورد توجه قرار دهند. به همین دلیل است که بر اساس استانداردهای این موسسه، برنامه‌های مدیریت دولتی باید به لحاظ هویتی، «چندرشته‌ای» باشند و لذا مفاهیم و نظریه‌های اصلی در رشته‌های اقتصاد، حقوق، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی باید با تمرکز روی روشن بر

1. European Association for Public Administration Accreditation (EAPAA)

برای کسب اطلاعات بیشتر در خصوص استانداردها و سایر وظایف این موسسه به آدرس اینترنتی www.eapaa.org مراجعه کنید.

روابط فیما بین رشته‌ها در برنامه آموزش داده شود. در مجموع می‌توان گفت دروس اصلی این رشته بایستی دارای عناصر زیر باشند:

آموزش جامع مفاهیم پایه، نظریه‌ها و تاریخچه (متون کلاسیک) مدیریت دولتی؛ روش‌های پژوهش، مفاهیم و نظریه‌های رشته‌های اقتصاد، حقوق، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی، به همراه روابط فیما بین این حوزه-رشته‌ها؛

مالیه عمومی، علوم مربوط به اطلاعات، و مدیریت عمومی (EAPAA، ۲۰۰۹: ۶).
دیپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی ملل متحد و انجمن بین‌المللی دانشکده‌ها و مؤسسات مدیریت دولتی: این دو مجموعه در سندی مشترک، با مطرح کردن «محتوای برنامه» به عنوان یکی از شاخصه‌های اندازه‌گیری تعالی برنامه آموزشی مدیریت دولتی، بیان می‌کند که محتوای چنین برنامه‌ای بایستی به گونه‌ای باشد که پایه‌های چندرشته‌گی حوزه اداره امور عمومی را نشان دهد. (IASIA/UNDESA، ۲۰۰۸: ۹)

۴. رویکردهای تلفیق

با پذیرش میان‌رشته‌گی حوزه-رشته مدیریت دولتی، اینطور بیان شد که لازم است تا «تیمی» میان‌رشته‌ای برای برنامه‌ریزی درسی آن تدارک دیده و «اهدافی» میان‌رشته‌ای در اهداف برنامه درسی تعبیه کنیم. در بخش «محتوا و ترکیب دروس» نیز به طور کلی مجموعه رشته‌های مختلفی را که باید در این برنامه درسی به آنها توجه شود، مشخص شدند. حال مسأله اساسی این است که چگونه و به چه روشی می‌توان این «حجم عظیم اطلاعات و نظریه‌ها» را در «دوره آموزشی و تحصیلی محدودی» به دانشجویان منتقل کرد. به عبارت بهتر، این بایسته میان‌رشته‌گی را باید با چه ابزارها و روش‌هایی تحقق بخشید؟ در واقع «رویکردهای تلفیق» مهمترین ابزارهای تحقق میان‌رشته‌گی در برنامه‌ریزی درسی هستند.

با مرور ادبیات تلفیق در برنامه‌ریزی درسی، دسته‌بندی زیر (جدول شماره ۴) را می‌توان جامع‌ترین گونه‌شناسی ارائه شده از انواع رویکردهای تلفیق دانست.



جدول شماره ۳: رویکردهای تلفیق در برنامه‌ریزی درسی (پیغامی و تورانی، ۱۳۸۸ ک ۷۶-۶۰)

رشته‌ای	انتقال مجموعه‌ای از دانش سازمان یافته، با ساختاری مشخص و زنجیره‌ای نهادینه از مفاهیم و روش‌ها و گام‌های آموزشی	
تلفیق با محوریت رشته‌ای	درون‌رشته‌ای موازی ^۱	جمع جبری و اجرای متوازی دو یا چند رشته با حفظ مفاهیم، مبانی و روش‌های هر یک از آنها
	چندرشته‌ای ^۲	تقویت یک رشته با استفاده از رهیافت‌ها و روش‌های سایر رشته‌ها در موضوع یا مسأله‌ای «کلی»
	میان‌رشته‌ای ^۳	توجه به ابعاد متفاوت موضوعی «خاص» از منظر زبان، چارچوب‌های تحلیل و روش‌شناسی‌های رشته‌های مختلف
	چندرشته‌ای متقاطع ^۴	رشته‌ها/درس‌های مضاف: مطالعه رشته یا حیطه‌ای موضوعی از منظر زبان، دیدگاه تحلیلی و روش‌شناسی رشته‌ای دیگر
	چندرشته‌ای متکثر ^۵	تلفیق رشته‌هایی دارای زبان یا روش‌شناسی مشترک به منظور تقویت درک دانشجو از رابطه میان آنها
بدون محوریت رشته یا فرارشته‌ای ^۶	فرارشته‌ای افقی ^۷	ایجاد مهارت یا قابلیت با استفاده از ظرفیت‌های موجود در رشته‌های مختلف
	فرارشته‌ای قائم ^۸	ایجاد مجموعه‌ای از مهارت‌ها یا قابلیت‌ها با استفاده از «یک نظام رشته‌ای» یا «تلفیقی از چند نظام رشته‌ای»
	فرارشته‌ای مورب ^۹	ترکیبی از فرارشته‌ای افقی و قائم: بهره‌گیری از فرصت‌های رشته‌های مختلف برای تحقق مهارت‌های خاص و مشخص در یادگیرنده



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۲۵

آموزش میان‌رشته‌ای
مدیریت دولتی...

در اینجا توجه به این نکته ضروری است که نباید «میان‌رشته‌ای بودن» دوره مدیریت دولتی را با «رویکرد تلفیق» مورد استفاده در برنامه‌ریزی درسی آن، اشتباه گرفت. رویکرد تلفیق میان‌رشته‌ای تنها یکی از ۸ رویکرد تلفیق در رشته‌های میان‌رشته‌ای است.

1. Parallel Disciplinary Approach
2. Multi-Disciplinary Approach
3. Interdisciplinary Approach
4. Cross-Disciplinary Approach
5. Plural-Disciplinary Approach
6. Supra/Trans-Disciplinary Approach
7. Horizontal Supra-Disciplinarity
8. Vertical Supra-Disciplinarity
9. Oblique Supra-Disciplinarity

۴,۱. به کارگیری رویکردهای تلفیق در برنامه‌ریزی درسی مدیریت دولتی

به نظر می‌رسد برای برنامه‌ریزی درسی مدیریت دولتی بتوان از اغلب رویکردهای مطرح شده استفاده کرد؛ تجربه تاریخی برنامه‌ریزی‌های درسی مدیریت دولتی نیز تا حد زیادی این گزاره را تایید می‌کند؛ یعنی ممکن است گروهی با جمع جبری مجموعه‌ای از واحدهای دو رشته مدیریت و علوم سیاسی، یک برنامه درسی مدیریت دولتی طراحی کند.

مسئله‌ای که اغلب برنامه‌ریزی‌های درسی مدیریت دولتی تابه‌حال با آن روبرو بوده‌اند، این است که ارائه یک سلسله دروس تلفیقی به دانشجویان کافی نیست، بلکه باید «بلوغ میان‌رشته‌ای و تلفیق» را در آنان ایجاد کرد؛ به عبارت بهتر باید آنها تلفیق را یاد گرفته و با آن زندگی کنند. در این صورت است که میان‌رشته‌ای به عنوان رفتار و سبکی از علم‌آموزی به عنوان پیامد مطلوب و مورد انتظار اهداف برنامه‌ریزی درسی میان‌رشته‌ای مدیریت دولتی، در دانشجو نهادینه خواهد شد. به نظر می‌رسد استانداردها و مباحث جدیدی که پیرامون آموزش مدیریت دولتی مطرح است و بخشی از آنها در قسمت‌های قبل - بخصوص در بخش محتوا و ترکیب دروس - آورده شد، نیز چنین چالشی را به رسمیت شناخته‌اند. همانگونه که در جدول بالا مشاهده می‌شود، عنصر مشترک همه رویکردهای «بدون محوریت رشته» یا «فرارشته‌ای»، تمرکز آنها بر «مهارت یا قابلیت» به جای «رشته یا محتوای آموزشی» است. به همین دلیل است که متخصصان آموزش مدیریت دولتی علاوه بر آموزش مفاهیم یا روش‌های چندین رشته به دانشجویان، در نهایت به دنبال ایجاد مهارت‌ها و قابلیت‌های خاصی در دانش‌آموخته مدیریت دولتی می‌باشند. از همین جهت است که آموزش مدیریت دولتی به صورتی روزافزون به سمت رویکرد فرارشته‌ای مورب در حال حرکت است. ویژگی اصلی رویکرد تلفیق فرارشته‌ای مورب نسبت به سایر رویکردهای فرارشته‌ای، قابلیت آن در بکارگیری ترکیبی بهینه از انواع رویکردهای تلفیق است.

در ادامه به عنوان نمونه، مصادیقی از بکارگیری رویکردهای مختلف تلفیق در برنامه‌ریزی درسی مدیریت دولتی را مطرح می‌کنیم. در دوره‌های مدیریت دولتی جاری کشور، دروس «اقتصاد خرد و کلان» و «سیر اندیشه‌های سیاسی و تحول نهادهای اداری» به صورت موازی در کنار هم طراحی شده‌اند. (شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۷۶ ب). این نوع تلفیق در بهترین حالت خود نوعی تلفیق «درون‌رشته‌ای موازی» محسوب می‌شود. این در حالی است که دانشگاهی همچون دانشگاه هاروارد از رویکرد تلفیق مناسب‌تری استفاده





می‌کند. این دانشگاه به جای دروس بالا، درس‌های «تحلیل اقتصادی خط‌مشی‌های عمومی»^۱ و «نهادهای سیاسی و خط‌مشی عمومی»^۲ را در برنامه خود قرار داده است. (امامی، ۱۳۸۷: ۲۴-۲۵) مروری بر شرح درس «تحلیل اقتصادی خط‌مشی‌های عمومی» شباهت بسیار آن را با درس «اقتصاد خرد» آشکار می‌کند (امامی، ۱۳۸۷: ۳۰). اما نگاهی دقیق‌تر به این دو درس بیانگر وجود تفاوتی آشکار در نحوه آموزش اقتصاد خرد به دانشجوی مدیریت دولتی است. پیگیری تفاوت‌های این دو درس ما را با ظرایف بیشتری در مورد نحوه تلفیق آشنا خواهد کرد. ما این تفاوت‌ها را در سه حوزه عنوان، سرفصل و منابع درسی مورد بررسی بیشتر قرار می‌دهیم.

پرسش اول این است که چرا عنوان درس تغییر کرده است؟ به نظر می‌رسد بسیاری اوقات اتفاق می‌افتد که درس‌هایی از سایر رشته‌ها در رشته مدیریت دولتی مطرح می‌شود؛ اگر عناوین این دروس به همان صورتی که در رشته‌های مبدا وجود دارد، در رشته مقصد (مدیریت دولتی) نیز مورد استفاده قرار گیرد با دو معضل مواجه می‌شویم: اولاً: اساتید مدرس ممکن است با یکسان فرض کردن سرفصل‌ها همان محتوا و روش رشته مبدا را در مدیریت دولتی اعمال نمایند. ثانیاً: دانشجو با مشاهده عناوین مختلفی که ریشه در رشته‌های مختلف دارد، دچار نوعی سردرگمی و حیرت می‌شود. بنابراین عنوان درس بایستی نوعی تفاوت با رشته مبدا و نوعی شباهت با رشته مقصد را نشان دهد. این امر باعث می‌شود که اساتید با احتمال بیشتری به طراحی محتوای کلاسی متفاوتی برای رشته مدیریت دولتی اهتمام ورزند و همچنین از ابهام و سردرگمی دانشجویان کاسته شده و نوعی احساس هویت و تمایز را نیز در آنها زنده می‌کند. به همین دلیل است که محتوای اقتصاد خرد با عنوانی مثل «تحلیل اقتصادی خط‌مشی‌های عمومی» ارائه می‌شود.

پرسش دوم این است که چرا تمامی سرفصل‌های مرسوم اقتصاد خرد در تحلیل اقتصادی خط‌مشی‌های عمومی آورده نشده است؟ هر درسی در رشته مبدا خود دارای سرفصل‌های متنوع و متعددی است. مسلماً همه آن سرفصل‌ها برای دانشجوی رشته مقصد ضروری نیست. طرح سرفصل‌های غیرمرتبط با رشته مقصد علاوه بر اتلاف منابع، موجب بروز نارضایتی در دانشجویان خواهد شد. لذا ملاک برای طرح یک سرفصل این است که در رشته مقصد مبتنی بر آن سرفصل خاص مباحث دیگری مطرح و مورد پژوهش قرار گیرد. به علاوه، تنظیم جدید و مختصرتر سرفصل‌ها به برنامه‌ریز این امکان را می‌دهد که بخشی از مباحث «اقتصاد بخش

1. Economic Analysis of Public Policy
2. Political Institutions and Public Policy

عمومی» را که ریشه در اقتصاد خرد دارد نیز در همین درس ارائه نماید و به صورت بهینه‌تر از ظرفیت یک درس استفاده نماید.

پرسش دیگر این است که چرا از منابع معتبر و رایج درس اقتصاد خرد در تحلیل اقتصادی خط‌مشی‌های عمومی استفاده نمی‌شود؟ دغدغه همیشگی دانشجویان مدیریت دولتی، این است که مباحثی مثل اقتصاد خرد چه ربطی با سوال‌ها و مسأله‌های رشته آنها دارد. پاسخگویی به این نیاز، مولفین کتب درسی مدیریت دولتی را بر آن داشته است که مباحث رشته مبدا را همراه با مثال‌هایی از کاربرد آن در رشته مقصد طرح کنند.

هر سه پرسش و پاسخ بالا برای دو درس «سیر اندیشه‌های سیاسی و تحول نهادهای اداری» و «نهادهای سیاسی و خط‌مشی عمومی» نیز صادق است. اگر چه دروس «اقتصاد خرد و کلان» و «سیر اندیشه‌های سیاسی و تحول نهادهای اداری»، نمونه‌ای از رویکرد تلفیق درون رشته‌ای موازی بود، اما دو درس «تحلیل اقتصادی خط‌مشی‌های عمومی» و «نهادهای سیاسی و خط‌مشی عمومی» نمونه‌ای از رویکرد تلفیق چندرشته‌ای است؛ به جای اینکه درس‌ها صرفاً به صورت موازی در کنار هم قرار گیرند، خود مدیریت دولتی محور هر کدام از آنها قرار گرفته و با استفاده از دو رشته اقتصاد و علوم سیاسی، بعد میان‌رشته‌ای آن تقویت شده است.

اغلب دوره‌های مدیریت دولتی برتر دنیا، در بسته‌های دروس گرایشی خود، با تمرکز بر یک حوزه اجرایی خاص، نظیر محیط زیست، توسعه و یا امور اجتماعی، مسائل آن حوزه را از منظر زبان، چارچوب‌های تحلیل و روش‌شناسی‌های رشته‌های مختلف (مثل اقتصاد، حقوق، جامعه‌شناسی و...)، مورد بررسی قرار می‌دهند. در جدول شماره ۵ برخی از بسته‌های گرایشی و دروس متناظر آنها از دوره کارشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشگاه سیراکوس^۱ برای نمونه ارائه شده است.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۲۸

دوره چهارم
شماره ۴
پاییز ۱۳۹۱

۱. قابل توجه آنکه، در رتبه‌بندی دانشکده‌های مدیریت دولتی برتر دنیا دانشگاه سیراکوس در رتبه اول جهان قرار دارد. (US News & World Report, ۲۰۱۲)

جدول شماره ۴: برخی از بسته‌های گرایشی و دروس متناظر آنها
در رشته مدیریت دولتی دانشگاه سیراکوس

دروس متناظر	حوزه خط‌مشی
تغییرات آب و هوایی: علم، ادراک و خط‌مشی ^۲	خط‌مشی‌گذاری و اداره محیط زیست ^۱
خط‌مشی انرژی، محیط‌زیست و منابع (طبیعی) ^۳	
اقتصاد خط‌مشی زیست محیطی ^۴	
حقوق و خط‌مشی محیط‌زیست ^۵	
حقوق خانواده ^۷	خط‌مشی اجتماعی ^۶
جمعیت‌شناسی، سالمندی و خط‌مشی عمومی ^۸	
اجرای خط‌مشی اجتماعی ^۹	
بودجه فدرال ایالات متحده، اصلاح نظام تامین اجتماعی و سلامت ^{۱۰}	
اقتصاد توسعه ^{۱۱}	اداره امور بین‌الملل و توسعه ^{۱۱}
امنیت بین‌الملل ^{۱۳}	
خط‌مشی و اداره در کشورهای در حال توسعه ^{۱۴}	
حقوق بین‌الملل ^{۱۵}	



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۲۹

آموزش میان‌رشته‌ای
مدیریت دولتی...

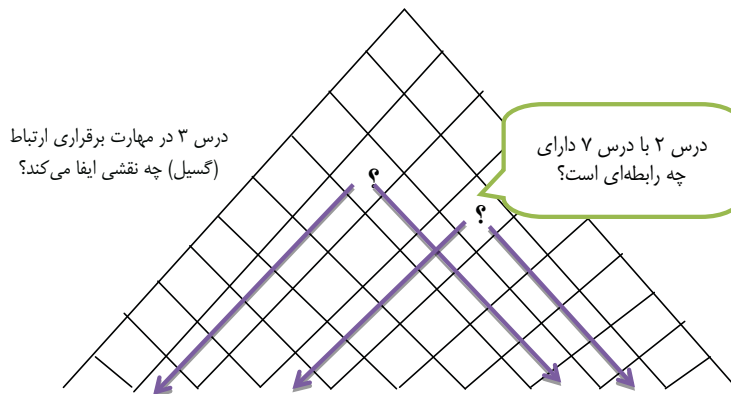
در این میان، دروسی که از رویکرد چندرشته‌ای متقاطع در دوره‌های مدیریت دولتی استفاده کرده‌اند، به طور فراوان وجود دارند؛ دروسی چون جامعه‌شناسی سازمان، روان‌شناسی کار و... رویکرد چندرشته‌ای متکثر نیز در برخی دروس مدیریت دولتی قابل مشاهده است، نظیر درس اقتصاد توسعه و اقتصادسنجی مالی.

1. Environmental Policy and Administration
2. Climate Change: Science, Perception & Policy
3. Energy, Environment and Resources Policy
4. Economics of Environmental Policy
5. Environmental Law & Policy
6. Social Policy
7. Family Law
8. Demography, Aging and Public Policy
9. Implementation of Social Policy
10. The US Federal Budget, Social Security and Health Care Reform
11. International and Development Administration
12. Economics of Development
13. International Security
14. Policy and Administration in Developing Countries
15. International Law

دروس اصلی مدیریت دولتی و کتب آنها مانند «مبانی مدیریت دولتی» یا «مبانی خط‌مشی‌گذاری عمومی» نمونه‌هایی روشن از بکارگیری رویکرد فرارشته‌ای افقی می‌باشند. کتاب «اداره امور عمومی: فهم مدیریت، سیاست و حقوق در بخش عمومی» (روزنبلوم و همکاران، ۲۰۰۹) یکی از بارزترین کتب درسی برای تدریس مبانی مدیریت دولتی است که رویکرد فرارشته‌ای افقی به تنهایی از عنوان این منبع درسی نیز قابل استنباط است؛ کتاب «آشنایی با خط‌مشی عمومی»^۱ (شفریتز و همکاران، ۲۰۰۹) نیز که به‌عنوان منبع درس «مبانی خط‌مشی‌گذاری عمومی» شناخته می‌شود، همین رویکرد را در تدوین کتاب درسی به کار برده است.

یک نمونه قابل توجه برای رویکرد فرارشته‌ای قائم، نحوه تنظیم بخشی از برنامه درسی دوره دکتری خط‌مشی عمومی دانشگاه مریلند است. دانشجویان دکتری این رشته در قسمتی از برنامه درسی خود موظفند سه دوره مطالعاتی را در حوزه «تحلیل اقتصادی»، «تحلیل سیاسی» و «تحلیل هنجاری» گذرانده و آزمون دهند. هر یک از این دوره‌های مطالعاتی مشتمل بر مجموعه‌ای از معتبرترین آثار آن حوزه بوده (University of Maryland School of Public Policy, ۲۰۱۰).

و به خوبی نمایانگر رویکرد فرارشته‌ای قائم در طراحی این دوره مدیریت دولتی است. همان‌گونه که مشاهده شد، در برنامه‌ریزی درسی دوره‌های مدیریت دولتی انواع مختلفی از رویکردهای تلفیق مورد استفاده قرار می‌گیرد. به ترکیب بهینه‌ی مجموعه این رویکردهای تلفیق که در دوره‌های مدیریت دولتی با هدف ایجاد بلوغ میان‌رشته‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، «رویکرد تلفیق فرارشته‌ای مورب» اطلاق می‌گردد. در شکل شماره ۲ سعی شده است رویکرد فرارشته‌ای مورب و بکارگیری سایر رویکردهای تلفیق در درون آن در قالب شکل نمایش داده شود.



شکل ۲: نمایش رویکرد فرارشته‌ای مورب در برنامه‌ریزی درسی مدیریت دولتی

1. Introducing Public Policy



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۳۰

دوره چهارم
شماره ۴
پاییز ۱۳۹۱



دروس مهارت‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
برقراری ارتباط (دریافت)										
برقراری ارتباط (گسیل)							؟			
واکنش نسبت به محیط										
تعبیر و تفسیر										
انطباق یافتن										
پیش‌بینی										
یادگیری										
تصمیم‌گیری										
یادگیری										
انتخاب										
قضایات										
توان مقابله										
به‌کار بستن										
حل مسأله										
ارائه خلاقانه										
تبدیل کردن (دگرگون کردن)										
سازمان‌دهی، اداره کردن										
تشریح کردن و توضیح دادن										
مجمعل‌سازی										

۴,۲. تجربه دانشگاه امام (صادق علیه‌السلام)

با ترسیم چنین چشم‌اندازی -تلفیق فرارشته‌ای مورب- است که تیم برنامه‌ریزی درسی مدیریت دولتی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، سعی کرده است تجربه‌ای نو در این حوزه رقم بزند. هر چند به دلیل کاستی‌های آموزش میان‌رشته‌ای در کشور، هنوز اشکالات عمده‌ای بر این تجربه وارد است. این تیم سعی کرده است با ترکیب رویکردهای مختلف تلفیق در طراحی برنامه «کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی، مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری عمومی» به گونه‌ای به بلوغ میان‌رشته‌گی در دانشجویان کمک کند. هم‌نشینی مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری عمومی در عنوان این دوره یکی از نوآوری‌های آن است. علت قرار دادن سیاست‌گذاری عمومی در کنار مدیریت دولتی، این بوده است که:



در جامعه علمی مدیریت ایران، به طور سنتی مدیریت دولتی منفک از سیاست گذاری عمومی در نظر گرفته شده است. به نظر می رسد این تفکیک، ناشی از پذیرش جدایی سیاست از اداره در مکاتب قبلی مدیریت دولتی بوده است. حال اینکه دوگانگی سیاست و اداره در مکاتب متاخر کاملاً زیر سوال رفته است. به گونه ای که شفریتز مدیریت دولتی و سیاست گذاری عمومی را دو روی یک سکه می داند که قابل جداسازی از هم نمی باشند (شفریتز و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۰). بررسی محتوا و ترکیب دوره های مدیریت دولتی در استانداردهای بین المللی نیز نشان می دهد که سیاست گذاری عمومی بخش مهمی از محتوای دوره های مدیریت دولتی را تشکیل می دهند. (NASPAA، ۲۰۰۹ و IASIA/UNDESA، ۲۰۰۸). بررسی دوره های برتر مدیریت دولتی در دانشگاه های جهان هم متضمن همین برداشت است. به گونه ای که امروزه اغلب این حیظه را با عنوان «سیاست گذاری عمومی و مدیریت دولتی»^۱ می شناسند.

حل مسائل عمومی در نظام اسلامی، مستلزم فهمی حداقلی از مجموعه علوم اجتماعی و نیز آشنایی با مجموعه معارف اسلامی می باشد؛ به عبارت دیگر، دستیابی به سطح میان رشته ای مدیریت دولتی لازم، اما ناکافی است. بدون آشنایی لازم با معارف اسلامی که هم بستر فرهنگی و نهادی اداره امور عمومی در ایران است، و هم داعیه دار الگوی جدیدی برای اداره فرد و اجتماع است، گام نهادن در عرصه حل مسائل عمومی ایران اسلامی، ادعایی بیش نیست. به صورت طبیعی، این حجم از تلفیق (معارف اسلامی و مدیریت دولتی)، نیازمند محوری برای وحدت است. نخ تسبیح تکثر مباحث رشته های مختلف در دوره های مدیریت دولتی و خط مشی گذاری عمومی، تمرکز دانشجوی بر حل یک مسأله عمومی است. در واقع، از دانشجوی خواسته می شود که پیرامون مسأله ای عمومی که مورد دغدغه او است، تأمل و مطالعه کند و همه اجزای برنامه درسی را حول این دغدغه، فهم و تفسیر نماید.^۲ در دانشگاه امام صادق علیه السلام، دانشجوی در کنار مجموعه دروس ابزاری (زبان انگلیسی، زبان عربی و...)، در طول ۷ سال با «معارف اسلامی» و نیز «مدیریت دولتی و سیاست گذاری عمومی» آشنا می شود و برنامه درسی به گونه ای طراحی شده است که دانشجویان، دروس و واحدهای مورد نیاز هر دو حوزه را فراگیرند. در زمینه علوم اسلامی دانشجوی این دوره، متجاوز از ۱۲۰ واحد از دروس مرتبط با معارف اسلامی از قبیل فقه اسلامی، تاریخ اسلام، تفسیر، حدیث، منطق، فلسفه و اصول فقه را فرا می گیرد و از سوی دیگر، برنامه درسی میان رشته ای به گونه ای طراحی شده است که دانشجویان به میزان یک دانشجوی اختصاصی این رشته در مقطع لیسانس و فوق لیسانس سایر دانشگاه ها، واحدهای درسی مرتبط را گذرانده و به مباحث کلیدی این

1. Public policy & administration

۲. چستی «مسأله عمومی» خود نیازمند بحث مفصلی است که در این مجمل نمی گنجد. تنها باید این نکته تذکر داده شود که منظور از «مسأله عمومی» یک پرسش فردی و یا یک دغدغه سطحی اجتماعی نیست.

رشته احاطه می‌یابد (خانی، ۱۳۸۹: ۵۲-۵۱). در جدول ۶ حوزه‌های مختلف درسی این دوره در دانشگاه امام صادق علیه‌السلام معرفی شده است.

جدول شماره ۵: دروس معارف اسلامی، مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری عمومی در دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) (شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۹)

دروس عمومی و معارف اسلامی		
ردیف	نام درس	تعداد واحد
۱	دروس عمومی از جمله: مهارت‌های تحصیلی، تدبیر زندگی ۱ و ۲ و...	۱۰
۲	دروس تاریخ و سیاست از جمله: سیره و تاریخ تحلیلی معصومین ۱ و ۲، جریان‌شناسی تاریخ معاصر، مهدویت و تمدن جهانی اسلام و...	۱۰
۳	دروس منطق	۴
۴	دروس عربی	۲۱
۵	دروس زبان انگلیسی	۱۸
۶	دروس اصول عقاید	۱۲
۷	دروس فقه و اصول	۲۲
۸	دروس قرآن	۱۰
۹	دروس روایت	۴
۱۰	دروس انتخابی	۵
دروس اصلی مشترک رشته مدیریت		
۱	دروس پایه مدیریت مبانی سازمان و مدیریت، جامعه‌شناسی سازمان، روان‌شناسی کار، مدیریت رفتار سازمانی، مدیریت منابع انسانی، حقوق تجارت، مدیریت تولید، اصول مدیریت اسلامی، فنون تجزیه و تحلیل سیستم‌ها و روش‌ها، روش تحقیق	۲۵
۲	دروس کمی مدیریت کاربرد ریاضیات در مدیریت، آمار و کاربرد آن در مدیریت، تحقیق در عملیات ۱ و ۲	۱۰
۳	دروس مالی و حسابداری اصول حسابداری ۱ و ۲، حسابداری صنعتی، مدیریت مالی	۱۱
۴	دروس اقتصاد اقتصاد خرد، اقتصاد کلان	۶
۵	رایانه و فناوری اطلاعات مبانی رایانه، کاربرد رایانه در مدیریت، مهارت‌های جستجو در اینترنت، سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت، مدیریت منابع اطلاعاتی، فناوری اطلاعات	۱۳



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۳۳۳

آموزش میان‌رشته‌ای
مدیریت دولتی...

۲	زبان‌های تخصصی ۱ و ۲	۶
دروس تخصصی گرایش مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری عمومی در مقطع کارشناسی		
۲	طراحی و تغییر سازمان	۱
۲	مبانی علم اداره	۲
۲	مبانی سیاست‌گذاری عمومی	۳
۲	سازوکار نهادی در اداره امور عمومی	۴
۲	اداره امور عمومی تطبیقی و توسعه	۵
۲	اسلام، جوامع اسلامی و جهانی شدن	۶
۲	کارگاه مسائل عمومی و نظام اداری در ایران	۷
۲	اداره امور شهری	۸
۲	اقتصاد سیاسی بین‌الملل	۹
۲	مدیریت استراتژیک بنگاه‌های اقتصادی	۱۰
دروس تخصصی گرایش مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری عمومی مقطع کارشناسی ارشد		
۲	تئوری‌های سازمان و مدیریت پیشرفته	۱
۲	مدیریت رفتار سازمانی در بخش دولتی	۲
۲	مدیریت منابع انسانی در بخش عمومی	۳
۲	تئوری‌های اداره امور عمومی	۴
۲	نظریه‌ها و مدل‌های سیاست‌گذاری عمومی	۵
۲	مدیریت دولتی نوین در عمل	۶
۲	تحلیل آماری و مدل‌سازی کمی در مدیریت دولتی	۷
۲	دولت الکترونیک و کاربرد ICT در اداره امور عمومی	۸
۲	رهبری و تحول در سازمان‌های دولتی	۹
۴	پایان‌نامه	۱۰
دروس اختیاری گرایش مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری عمومی مقطع کارشناسی ارشد		
گروه درس انتخابی ۱ (حکمرانی و توسعه)		
۲	الگوها و مبانی نظری حکمرانی و توسعه	۱
۲	آینده‌پژوهی و استراتژی توسعه	۲
۲	اسلام و توسعه	۳
گروه درس انتخابی ۲ (سیاست‌گذاری و اداره امور عمومی)		
۲	حوزه‌های سیاست‌گذاری و اداره امور عمومی	۶
۲	ارزشیابی برنامه‌ها و سیاست‌های عمومی	۷
۲	اسلام و اداره امور عمومی	۸



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۳۴

دوره چهارم
شماره ۴
پاییز ۱۳۹۱

الزامات یاددهی-یادگیری

منظور از «الزامات یاددهی-یادگیری»، مجموعه بایدها و نبایدهایی است که باید در فرآیند آموزشی، تربیتی و یادگیری دانشجو، در برنامه‌ریزی درسی مورد توجه واقع شود. پیش از این مشخص شد که با توجه به ماهیت و اهداف مدیریت دولتی، باید در برنامه‌ریزی درسی آن از رویکرد تلفیق فرارشته‌ای مورب استفاده کرد، و ایجاد مجموعه‌ای از مهارت‌های مفهومی، تحلیلی و تصمیم‌گیری را در دانشجو دنبال نمود. غالب مهارت‌ها - و بالاخص مهارت‌های فوق - با قالب‌های مرسوم تدریس دانشگاهی محقق نمی‌شود. به همین دلیل است که برنامه‌ریزی درسی میان‌رشته‌ای بایستی از روش‌ها و الگوهای یاددهی-یادگیری‌ای استفاده نماید که بتوانند در عمل، محقق‌کننده چنین برنامه‌ای باشند. در ادامه به برخی از این الزامات یاددهی-یادگیری در برنامه‌ریزی درسی میان‌رشته‌ای مدیریت دولتی اشاره می‌نمایم.

۱. آموزش مشارکتی و مبتنی بر بحث و گفتگو

همانگونه که گفته شد، فرآیندهای آموزشی باید در این رشته به گونه‌ای تدارک دیده شود که مهارت‌های مورد نظر، حداقل تا حدودی، در دانشجو پدید آید؛ به عنوان مثال بتواند استدلال‌های یک اقتصاددان را در تحلیل یک مسأله عمومی فهم کرده، نتیجه آن را با تحلیل یک حقوق‌دان مقایسه نماید؛ توانایی انتقال اختلاف نظرهای اقتصاددان و حقوق‌دان را به یک نماینده مجلس داشته باشد و... به عبارت دقیق‌تر بتواند در یک مسأله عمومی، دیدگاه‌های متکثر را در نظامی واحد در کنار یکدیگر قرار داده، و تصمیم‌گیری کند. تا وقتی که دانشجویان، علاوه بر آشنایی با مفاهیم و نظرات اولیه، در مورد یک یا چند مسأله، در کلاس‌های درس به بحث و گفتگو نشستند و تا وقتی که ظرائف فهم و انتقال پیام مد نظر خویش را خود تجربه نکرده باشند، بسیار بعید است که شمه‌هایی از این مهارت‌ها در دانشجو ایجاد گردد. در این نوع کلاس، استاد سخنران نیست، بلکه نقش تسهیل‌کننده و هدایت‌گر دانشجویان برای حل مسأله را ایفا می‌نماید. در این فرآیند حل مسأله، استاد و دانشجو، علاوه بر به‌کارگیری نظریه‌های مطرح، با مشارکت یکدیگر سعی در بررسی و مطالعه ابعاد آن مسأله و نیز ارائه راهکارهای احتمالی دارند. در واقع، تدریس دانشگاهی به مثابه مباحثه و آموزش مشارکتی (فاضلی، ۱۳۸۲)، راهبرد اصلی این الگوی یاددهی-یادگیری است. باید توجه داشت که در چنین کلاسی، با وجود صرف زمان طولانی، حجم انبوهی از سرفصل‌ها قابل بحث و بررسی نیست.

۱.۱. استفاده از چند استاد در تدریس

ماهیت خاص مباحث برخی دروس میان‌رشته‌ای، ایجاب می‌کند که کلاس با استفاده از





دو یا چند استاد، به صورت متوالی یا هم‌زمان اداره شود. برخی دروس میان‌رشته‌ای چندان تازگی دارد که به سختی می‌توان استادی را یافت که بتواند به تنهایی همه سرفصل‌های آن را بر عهده گیرد. به‌عنوان مثال، درس «الگوها و مبانی نظری حکمرانی و توسعه» در دوره دانشگاه امام صادق علیه‌السلام مشتمل بر مباحث مطروحه در چندین حوزه نظیر اقتصاد توسعه، جامعه‌شناسی توسعه، مطالعات عدالت، مطالعات حکمرانی و... است. یک راه اداره این نوع کلاس‌ها، انتخاب یک هماهنگ‌کننده^۱ برای شکل‌دهی به بستر مشترک بحث، و دعوت از صاحب‌نظران مختلف بر اساس یک برنامه مدون است. حتی برخی کلاس‌ها را می‌توان با دو یا چند استاد هم‌زمان ارائه نمود. به‌عنوان مثال می‌توان درس «سازوکارهای نهادی در اداره امور عمومی» را با حضور یک اقتصاددان نهادی و یک متخصص خط‌مشی‌گذاری؛ درس «حکومت اسلامی» را با حضور یک متخصص مدیریت دولتی و یک استاد اندیشه سیاسی اسلام؛ و یا درس «مدیریت استراتژیک بنگاه‌های اقتصادی» را با حضور یک متخصص استراتژی و یک متخصص مدیریت دولتی به صورت بسیار اثربخش‌تری برگزار نمود.

۱.۲. پژوهش‌های میان‌رشته‌ای

با توجه به اینکه در هر ترم دانشجو باید بیش از هر کس دیگری نگران به وجود آمدن مهارت‌های مورد نظر در درون خود باشد، پژوهش‌های درسی در برنامه درسی میان‌رشته‌ای این رشته بر خلاف پژوهش‌های رشته‌محور که عمدتاً ناظر به مسائل خود رشته طراحی می‌گردند، ناظر به مسائل و موضوعاتی فرای حد و حدود رشته‌ها خواهد بود؛ و این موضوعات فرارشته‌ای دانشجویان، اساتید و دانشکده را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. (هولی، ۲۰۰۹: ۲۵۴)

دیگر ویژگی پژوهش‌های درسی با رویکرد میان‌رشته‌ای در این حوزه مسأله‌محور بودن آنهاست. مسائل اجتماعی ماهیتاً دارای ابعاد مختلفی چون سیاسی، اقتصادی، حقوقی و فرهنگی - اجتماعی هستند و عملاً نمی‌توان با تحقیق و پژوهش‌های رشته‌محور و تک‌بعدی پاسخ مناسبی برای این مسائل یافت. به‌عنوان مثال، مسأله‌ای عمومی در سطح کلان همچون طرح هدفمند کردن یارانه‌ها دارای ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، حقوقی، اجتماعی و فرهنگی است که بدون توجه به هر یک از آنها و نیز تعاملات میان این ابعاد، قطعاً نتیجه ناقصی در انتظار خواهد بود. در مجموع می‌توان اینگونه بیان داشت که در رویکرد رشته‌محور، معمولاً سرفصل‌های هر رشته تبدیل به رئوس پژوهشی آن رشته می‌شود، اما در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای مدیریت

دولتی، محور پژوهش، مسأله‌ای^۱ است که دانشجو با آن درگیر است و پاسخ این مسأله را در دروس مختلف تحصیلی خود جستجو نموده و سعی در ارائه راه حل و یافتن پاسخ از منظر رشته‌های گوناگون دارد. به‌عنوان مثال، دانشجوی مدیریت دولتی که مسأله‌ای مانند مدیریت آموزش عالی دارد و دروسی مانند دولت الکترونیک، اداره امور تطبیقی و توسعه، روش تحقیق و... را می‌گذراند، دائماً در پی ترکیب این مسأله با دروس مختلف خواهد بود. تلاقی این دو همانگونه که در جدول شماره ۷ نیز آمده است، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای را حاصل خواهد نمود.

جدول شماره ۶: سوال‌ها و مسأله‌های پژوهش میان‌رشته‌ای مدیریت دولتی در عرصه آموزش عالی

نام درس مسأله	مسأله آموزش عالی
دولت الکترونیک	اثرات احتمالی پدیده دولت الکترونیک بر حوزه آموزش عالی کشور کدام است؟
اداره امور تطبیقی و توسعه	آسیب‌ها و مشکلات ساختار بوروکراتیک آموزش عالی کشور چیست؟ بایسته‌های توسعه آموزش عالی چیست؟ آسیب‌های توسعه بی‌رویه آن کدام است؟
مدیریت دولتی نوین در عمل	پیامدهای کوچک‌سازی دولت، کاهش هزینه‌ها، برون‌سپاری امور و خصوصی‌سازی بر حوزه آموزش عالی کشور چیست؟
منابع انسانی در بخش عمومی	الگوی روابط میان مدیران، اسنادان، دانشجویان و کارکنان در دانشگاه‌ها چگونه است؟ فرایندهای جذب، استخدام، بهسازی و بازنشستگی آنها چگونه تعریف می‌شود؟
اسلام، جوامع اسلامی و جهانی‌شدن	جهانی‌شدن چه اثرات بالقوه‌ای بر مدیریت آموزش عالی دارد؟ تعامل بهینه ما با این پدیده چگونه بایستی باشد؟ تعاملات کشورهای اسلامی در عرصه آموزش عالی و در پی تحولات و نهضت‌های اخیر، چه فرصت‌ها و چالش‌هایی در پیش روی آنها در این زمینه قرار می‌دهد؟
اداره امور شهری	نقش دانشگاه در مدیریت شهری چیست و چه ارتباطی با مدیریت یکپارچه دارد؟ توجه به دانشگاه و مراکز آموزش عالی در مدیریت شهری، چگونه باید باشد؟
اقتصاد سیاسی بین الملل	مولفه‌های اقتصادی و سیاسی در عرصه جهانی، چگونه در مدیریت آموزش عالی متبلور می‌گردند؟ آموزش عالی چه تأثیری بر اقتصاد و سیاست در عرصه جهانی دارد؟

۱,۳. استفاده از شیوه‌های ایفای نقش، بازی و موردکاوی

همان‌طور که در بخش نخست آمد، مدیریت دولتی ماهیتاً دارای جنبه نظری و محتوایی بسیار

1. Public problem



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۳۷

آموزش میان‌رشته‌ای
مدیریت دولتی...



زیادی است. بدین معنی که دانشجویان طی دوران تحصیل خود، نظریه‌ها، مکاتب علمی متنوع و گوناگونی را از رشته‌های مختلف مطالعه می‌نمایند تا به فهمی عمیق از مسأله عمومی دست یابند. اما صرفاً این فهم عمیق نظری کافی نیست و دانشجو بایستی توانایی استفاده درست و بجا از این دانش نظری را در عرصه عمل نیز فرا گیرد. در این راستا، استفاده از شیوه‌های ایفای نقش، بازی گروهی و موردکاوی توصیه می‌شود. در این شیوه‌ها فضای واقعی تصمیم‌گیری مسائل عمومی برای دانشجویان مدیریت دولتی طراحی شده و هر یک از دانشجویان در نقش یکی از ذی‌نفعان (دولت، بخش خصوصی، جامعه بین‌الملل و...) ایفای نقش کرده و سعی می‌کند دانش نظری خود را در محیط واقعی نیز بکار گیرد. مسأله‌ای مانند هدفمند کردن یارانه‌ها را در نظر بگیرید. در این مسأله می‌توان دو گروه موافقین و مخالفین طراحی کرد که ذیل هر یک، دانشجویانی با گرایش‌های اقتصادی، سیاسی، حقوقی و... که در بستر کلی مدیریت دولتی مطالعه می‌نمایند، حضور دارند. علاوه بر این می‌توان نقش‌هایی چون تولیدکننده، شهروند عادی، دولت، بخش خصوصی و... برای این مسأله در نظر گرفت تا هر یک از دانشجویان در آنها ایفای نقش کنند. ماحصل چنین بازی علمی توانمندی دانشجویان در عرصه عملی مدیریت دولتی خواهد بود.

برگزاری سمینارها و کارگاه‌های علمی در طول برنامه اصلی آموزشی این سمینارها و کارگاه‌ها محملی است برای تجربه‌اندوزی و آشناسدن با آخرین دستاوردهای دانشی حوزه مدیریت دولتی، که نقش مکمل برای برنامه اصلی آموزشی آن را ایفا می‌کند.

تجربه عملی

برنامه‌های همراه با اعطای مدرک رسمی مدیریت دولتی، بایستی به گونه‌ای ساختاربندی شوند که اطمینان حاصل شود، همه دانش‌آموختگان نوعی از تجربه ساختاریافته در بخش عمومی یا غیرانتفاعی را کسب کرده‌اند (JASIA/UNDESA, ۲۰۰۸: ۹). برای تحقق این مهم، یک پیشنهاد عملی این است که برخی دروس را بصورت ترکیبی از کلاس درس دانشگاهی و فعالیت عملی در یک سازمان مرتبط با بخش عمومی یا غیرانتفاعی تعریف کرد. این سازمان بایستی به گونه‌ای انتخاب شود که اولاً مرتبط با مسأله‌ای باشد که مورد دغدغه دانشجو است و دیگر آنکه بایستی با هماهنگی و ارتباط مستمر مسئولین دانشگاهی و مسئولین آن سازمان، زمینه کسب تجربه واقعی دانشجو در یک مسیر رشد تعریف‌شده فراهم گردد.

روش‌های ارزشیابی پیشرفت تحصیلی

در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی با وجود اینکه سهمی را بایستی به پژوهش‌های درسی اختصاص داد، اما باز هم آزمون‌های دوره‌ای مهم‌ترین مولفه ارزشیابی دانشجویان مدیریت دولتی را تشکیل می‌دهد. آزمون علاوه بر اینکه می‌تواند کارکرد ارزشیابی داشته باشد، خود بایستی نقش مکمل آموزش رسمی را ایفا نماید. لذا شیوه برگزاری آزمون و نحوه طراحی سوالات آن برای رشته مدیریت دولتی حائز اهمیت خواهد بود.

آزمون دروس دوره مدیریت دولتی بایستی به گونه‌ای طراحی شود که دانش نظری و مهارت عملی دانشجو (حل مساله، انتقال پیام، تفکر انتقادی و...) را ارزشیابی نماید. طراحی سوالات امتحان بایستی به گونه‌ای باشد که دانشجو برای پاسخگویی به آنها از همه مطالب طرح شده در کلاس درس استفاده نموده و بتواند با ترکیب آنها با یکدیگر و فهم عمیق مساله مورد پرسش، ابعاد مختلف مساله را واکاوی نموده و مبتنی بر یک چارچوب تحلیلی مشخص پاسخ را ارائه نماید. در این صورت الزاماً یک پاسخ مشخص و از پیش تعیین شده نخواهیم داشت، بلکه استاد بایستی به چارچوب تحلیل و نظام استدلالی دانشجو در تشخیص، تحلیل و ارائه راهکار بها دهد. این نوع آزمون می‌تواند در دو قالب نظری - برای سنجش دانش نظری - و عملی - برای سنجش توانمندی‌های مهارتی - ارائه گردد.

روش‌های ارزشیابی برنامه درسی

در ارزشیابی یک طرح درس میان‌رشته‌ای -مانند مدیریت دولتی- همانگونه که خورسندی طاسکوه نیز اشاره دارد، نباید از رویکردها، ابزارها، شاخص‌ها و روش‌های برنامه‌های رشته‌ای و موضوع‌محور استفاده کرد، بلکه ارزشیابی این برنامه حالتی تلفیقی و ترکیبی میان رشته‌ها، تخصص‌ها و روش‌های کمی و کیفی دارد (خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۸: ۹۱). خود مقاله حاضر، از این منظر که به معرفی الزامات میان‌رشته‌ای برنامه‌ریزی درسی مدیریت دولتی می‌پردازد، در واقع ملاک‌های ارزشیابی آن را نیز به دست می‌دهد.

به‌عنوان مثال، همانگونه که در بخش «بکارگیری رویکردهای تلفیق در برنامه‌ریزی درسی مدیریت دولتی» (۳، ۴، ۱) اشاره شد، هنگامیکه درس‌هایی از سایر رشته‌ها در رشته مدیریت دولتی مطرح می‌شود، برنامه‌ریزی درسی تغییراتی را در عنوان، سرفصل‌ها و منابع آن درس اعمال می‌کند. فرض کنید برنامه درسی مدیریت دولتی را برای ارزشیابی به یک اقتصاددان



ارجاع داده‌اند؛ این اقتصاددان با عنوانی همچون «تحلیل اقتصادی خط‌مشی عمومی» مواجه می‌شود. با توجه به تعلق خاطر خود به اقتصاد سریعا به سرفصل‌ها مراجعه می‌کند و می‌بیند که اغلب سرفصل‌ها مشتمل بر همان سرفصل‌هایی است که او آنها را با عنوان «اقتصاد خرد» می‌شناخته است. برداشت غالب در میان اقتصاددانان این است که یا باید عنوان این درس تغییر یابد و یا محتوا دگرگون شود، زیرا سرفصل‌های طرح‌شده شباهت زیادی با سرفصل‌های اقتصاد خرد دارند. در مجموع می‌توان گفت، بدون آشنایی ارزشیابان با اقتضائات نگاه میان‌رشته‌ای به برنامه‌ریزی درسی، امکان ارزشیابی درست این برنامه‌ها وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

رشته مدیریت دولتی از آنجا که متولی تربیت و آموزش دولتمردان، حکمرانان و بدنه بوروکراسی ملی کشور بوده و مسائل مهمی چون حکمرانی، توسعه، جهانی‌شدن و... را مورد بحث و نظر قرار می‌دهد، می‌توان از راهبردی‌ترین رشته‌های علوم اجتماعی در منظومه دانشی این مرز و بوم دانست. ما در این مقاله بحث کردیم که حوزه-رشته‌ی مدیریت دولتی دارای ماهیتی میان‌رشته‌ای است و این ویژگی مهم بایستی خود را در ابعاد مختلف برنامه‌ریزی درسی این رشته به‌عنوان نقشه و الگوی اجرایی آن نشان دهد. ما الزامات میان‌رشته‌گی برنامه درسی مدیریت دولتی را در ۷ محور مورد بررسی قرار دادیم: (۱) تیم برنامه‌ریزی درسی؛ (۲) اهداف برنامه درسی؛ (۳) محتوا و ترکیب دروس؛ (۴) رویکردهای تلفیق؛ (۵) الزامات یاددهی-یادگیری؛ (۶) روش‌های ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و (۷) روش‌های ارزشیابی برنامه درسی. عالمان برنامه‌ریزی درسی، تمام آنچه که در این مقاله به آن پرداخته شد را تنها «برنامه درسی قصد شده» می‌دانند. این عالمان سطوح بالاتری را نیز برای برنامه‌ریزی درسی مطرح می‌کنند تا در نهایت اهداف غایی رشته مدیریت دولتی در یادگیرنده نهادینه شود. این سطوح به ترتیب عبارتند از: برنامه درسی مورد انتظار، برنامه درسی نهفته، برنامه درسی تعاملی، برنامه درسی یادگرفته شده و در نهایت برنامه درسی نهادینه‌شده یا انتقالی (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۵). در صورت تحقق موفق همه این سطوح است که دانشجو واقعاً برای حل مسائل نظام اسلامی در عصر جدید آمادگی لازم را پیدا خواهد کرد.



منابع

- امامی، س. م. (۱۳۸۷). گزارش پژوهشی طراحی دوره کارشناسی ارشد پیوسته مدیریت دولتی و سیاستگذاری عمومی. دانشگاه امام صادق علیه السلام. تهران.
- پورعزت، ع. ا.، طاهری عطار، غ.، حجاریان، ع.، حسنقلی پور، ح. و فرخ، ش. (۱۳۸۷). «به گزینی برنامه‌های آموزشی، بر اساس مطالعه تطبیقی برخی از دانشگاه‌های معتبر جهان (مورد مطالعه: رشته اداره دولت و حکومت)». *سخن سمت*، (۱۹)، ۱۱۱-۱۳۴.
- پیغامی، ع.، و تورانی، ح. (۱۳۸۸). «گونه‌شناسی رهیافت‌های تلفیقی در طراحی برنامه‌های درسی و دلالت‌های کاربردی آن برای رشته اقتصاد». *فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، ۲ (۱)، ۸۵-۵۷.
- خانی، م. ح. (۱۳۸۹). «نوآوری در مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی در ایران؛ مطالعه موردی دانشگاه امام صادق (ع)». *فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، ۲ (۲)، ۶۶-۴۳.
- خورسندی طاسکوه، ع. (۱۳۸۸). «میان‌رشتگی و مسائل آن در آموزش عالی». *فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، ۱ (۲)، ۸۵-۱۰۱.
- دانشگاه شهید بهشتی. *معرفی گروه مدیریت دولتی دانشکده مدیریت و حسابداری*. تاریخ بازیابی: ۹۰/۱۲/۲۳.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۴۱

آموزش میان‌رشته‌ای
مدیریت دولتی...

<http://fma.sbu.ac.ir/Default.aspx?tabid=4474>

دانشنامه ایرانی برنامه درسی. (۱۳۹۰). *چارچوب موضوعی دانشنامه ایرانی برنامه درسی*.

<http://www.daneshnamehicsa.ir/Default.aspx?PageName=Pages&ID=32>

دنیار، ر. ب. (۱۳۸۲). *تنوری‌های سازمان دولتی*، ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد، چاپ دوم. تهران: نشر صفار.

شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. (۱۳۷۴). *مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره دکتری مدیریت دولتی*.

<http://gostaresh.msrt.ir/Files/Course/1-2-p-4.pdf>

شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. (۱۳۷۶ الف). *مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی ارشد مدیریت دولتی*.

<http://gostaresh.msrt.ir/Files/Course/1-2-m-2.pdf>

شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. (۱۳۷۶ ب). *مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی مدیریت دولتی*.

<http://gostaresh.msrt.ir/Files/Course/1-2-b-8.pdf>

شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. (۱۳۸۹). *مشخصات کلی، برنامه آموزشی و سرفصل دروس دوره کارشناسی ارشد پیوسته مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری عمومی*.

<http://gostaresh.msrt.ir/Files/Course/1-2-md-2.pdf>

- فاضلی، ن. (۱۳۸۲). «مباحثه: روشی برای تدریس در دانشگاه نگرش مردم‌شناسانه به آموزش مشارکتی». *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی*، ۲۴، ۱۰۰-۶۱.
- فتحی واجارگاه، ک. (۱۳۸۵). «کالبدشکافی برنامه درسی تجربه شده. مدلی برای پژوهش در حوزه برنامه درسی». در انجمن برنامه‌ریزی درسی ایران. *قلمرو برنامه درسی در ایران. ارزیابی وضع موجود و ترسیم چشم انداز مطلوب*، تهران: سمت. صص. ۱۰۵-۸۲.
- هج، م. ج.، و کانلیف، آ. ا. (۱۳۸۹). *نظریه سازمان: مدرن، نمادین-تفسیری و پست مدرن*. ترجمه: حسن دانایی‌فرد، تهران. موسسه کتاب مهربان نشر.
- یارمحمدیان، م. (۱۳۸۵). *اصول برنامه‌ریزی درسی: ماهیت برنامه‌ریزی درسی-مبانی فلسفی، روانشناختی و جامعه‌شناختی برنامه، ارزشیابی برنامه، تحلیل محتوای برنامه یا کتاب درسی*. تهران: یادواره کتاب.

Denhart, R. B. (2001). «The Big Questions of Public Administration Education», *Public Administration Review*, 61 (5), 526-534.

European Association for Public Administration Accreditation (EAPAA). (2009). *Accreditation Criteria*. Retrieved from

http://www.eapaa.org/index.php?option=com_content&view=article&id=14&Itemid=18

Fry, B. R., & Raadschelders, J. C. (2008). *Mastering Public Administration: From Max Weber to Dwight Waldo*. Washington, DC: CQ Press.

Holley, K. (2009). "The challenge of an interdisciplinary curriculum: a cultural analysis of a doctoral-degree program in neuroscience". *Higher Education*, 58 (2), 241-255. Retrieved from <http://dx.doi.org/10.1007/s10734-008-9193-6>

NASPAA. (2009). *Accreditation standards for master's degree programs*. Retrieved from <http://www.naspaa.org/accreditation/standard2009/docs/NS2009FinalVote10.16.2009.pdf>

Pollitt, C. (2005). Public Administration. In A. Kuper & J. Kuper (Eds.), *The social science encyclopedia* (2nd ed., pp. 1203-1205). London & New York: Taylor & Francis.

Rosenbloom, D. H., Kravchuck, R. S., & Clerkin, R. M. (2009). *Public administration: Understanding management, politics, and law in the public sector* (7th ed.). Singapore: McGraw-Hill.

Shafritz, J. M., Russell, E. W., & Borick, C. P. (2009). *Introducing public administration* (6th ed.). New York: Pearson Longman.

UNDESA/IASIA. (2008). *Standards of Excellence for Public Administration Education and Training*. Retrieved from http://www.ias-iasia.org/iasia/e/standards_excellence/Documents/Standards%20of%20Excellence%20English.pdf

University of Maryland School of Public Policy. (2010). *Ph.D. Comprehensive Examinations*. Retrieved from <http://www.publicpolicy.umd.edu/degree-programs/phd->



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۴۲

دوره چهارم
شماره ۴
پاییز ۱۳۹۱

in-policy-studies/comprehensiveexams

Us News & World Report. (2012). *Top Public Affairs Schools*. Retrieved from <http://grad-schools.usnews.rankingsandreviews.com/best-graduate-schools/top-public-affairs-schools/public-affairs-rankings>

Ventriss, C. (1991). "Contemporary Issues in American Public Administration Education: The Search for an Educational Focus", *Public Administration Review*, 51 (1), 4-14.

Waldo, D. (1987). "what is public administration?" In J. M. shafritz & A. C. Hyde (Eds.), *Classics of public administration* (2nd ed., pp. 229-423). Homewood: Dorsey Press.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۴۳

آموزش میان رشته‌ای
مدیریت دولتی...

